



فیلم‌های کارتون و تاثیر آن بر عقیده‌ی کودکان

ترجمه: محمد امین عبداللهی



وبسایت رسمی دکتر محمد العریفی

www.Arefe.com

عنوان کتاب:

فیلم‌های کارتون و تأثیر آن بر عقیده‌ی کودکان

عنوان اصلی:

الرسوم المتحركة وأثرها في عقيدة الناشئة

نویسنده:

دکتر عبدالرحمن العریفی

مترجم:

محمد امین عبداللہی

موضوع:

عقاید کلام - اسلام و علوم و عقاید جدید، تجدید حیات
فکری - اسلام و هنر

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری

منبع:

وبسایت رسمی دکتر محمد العریفی www.Arefe.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

ایمیل:

book@aqeedeh.com

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه	١
فصل اول: اهمیت تربیت بر اساس عقیده.....	٦
مبحث اول: اهمیت عقیده و جایگاه آن در دین	٧
مبحث دوم: تاثیر پذیری کودکان از تربیت در مراحل زود هنگام ..	١٢
مبحث سوم: پیدایش فیلم‌های کارتون	١٣
مبحث چهارم: فیلم‌های کارتون و تاثیر آن بر کودکان.....	١٤
فصل دوم: تاثیر فیلم‌های کارتون بر عقیده‌ی کودکان	١٧
مبحث اول: آثار واقعی فیلم‌های کارتون بر کودکان	١٨
مبحث دوم: نمونه‌هایی از اشتباهات عقیدتی موجود در فیلم‌های کارتون.....	٢١
محور نخست: نمونه‌هایی از تاثیر فیلم‌های کارتون بر عقیده‌ی کودک درباره‌ی توحید ربوبیت.....	٢٥
محور دوم: نمونه‌هایی از تاثیر فیلم‌های کارتون بر عقیده‌ی کودک درباره‌ی توحید الوهیت	٣٥

محور سوم: استفاده از نشانه‌های دیگر ادیان در برخی فیلم‌های کارتون	۴۴
محور چهارم: جادو و جادوگری در برخی از فیلم‌ها کارتون	۴۹
محور پنجم: جرات برخی از کارتونها در تمسخر عقیده‌ی ایمان به آخرت	۵۲
فصل سوم: درمان	۶۵
مبحث اول: حکم این فیلم‌ها	۶۶
مبحث دوم: محافظت کودکان در برابر برنامه‌های زیانبار	۷۹
مبحث سوم: جایگزین‌های پیشنهادی	۸۵
پایان	۹۶

مقدمه

ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر بهترین انبیاء، پیامبر ما محمد. بهترین درودها و کامل‌ترین سلام‌ها بر وی و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد...

ضربات سنگینی به هدف غریب ساختن جامعه‌ی مسلمان از دینشان علیه آنان صورت گرفته و تلاش‌های فراوانی به قصد جاهل ساختن مسلمانان نسبت به حقیقت اسلام و تبدیل کردن آنان به جامعه‌ای باز در برابر همه‌ی فرهنگ‌ها در حال انجام است. جامعه‌ای که هیچ هویتی ندارد تا از آن دفاع کند.

اما طبیعت این ضربات، نظامی نیست، بلکه خبیث و آرام، اما مطمئن و قوی است. در این هجوم، دشمنان ما قشری از جامعه را هدف قرار داده‌اند که استعداد بیشتری در پذیرش هر چیزی جدید و تغییر سریع دارند. کودکان؛ گروه سنی معصومی که در مرحله‌ی سنی ویژه‌ای قرار دارند. مرحله‌ی دریافت و پذیرش و ذخیره‌ی اطلاعات، و در پی آن تبدیل این داده‌ها به رفتاری عملی که غالب زندگی پس از بلوغ آنان را تشکیل می‌دهد.

آن‌ها می‌دانند که کودکان در جهان امروز، فرهنگ خود را - به ویژه پیش از دبستان - از تلویزیون دریافت می‌کنند. به طوری که بزرگترین تاثیرگذار فرهنگی در زندگی آنان همین تلویزیون است که بیشتر محتوای آن را فیلم‌های کارتون تشکیل می‌دهد.

امروزه فیلم‌های کارتون کانال‌های خاص خود را دارند که به صورت شبانه‌روزی و در قالبی بسیار جذاب و پیشرفته به زبان محلی در حال پخش برنامه‌های خود هستند و کودکان نیز به شکل وحشتناکی به این شبکه‌ها وابسته شده‌اند و روحیات و طرز فکرشان در معرض آن قرار گرفته. علاوه بر تاثیر بدی که این نشستن‌های طولانی، بر سلامتی آن‌ها دارد.

برخی از این فیلم‌های کارتون مانند بمب‌هایی، هر روز در صفحه‌ی تلویزیون‌های ما منفجر می‌شوند؛ آن هم بدون هیچگونه هشجاری و عکس العملی از جانب ما. از نظر ما این برنامه‌ها هنوز معصوم و بی‌خطر هستند و چیزی جز عامل سرگرمی کودکان ما نیستند. بسیاری از مردم متوجه این خطر نمی‌شوند مگر وقتی که به اوج خود برسد.

این فیلم‌ها برخی از کودکان را چنان به خود مشغول داشته که نمی‌توانند حتی یک روز را بدون تماشای آن به سر ببرند و حتی گاه تماشای آن را بر همراهی با پدر و مادر در گردش و تفریح و مهمانی‌ها ترجیح می‌دهند، و چنان وقت و توانایی و اندیشه‌ی کودکان ما را به خود مشغول داشته‌اند که وقتی برای آنان برای مرور درس‌های مدرسه یا حفظ کتاب خداوند نمانده، چه رسد به اینکه با خانواده‌ی خود بنشینند و از آنان ادب و دین و اخلاق بیاموزند.

شکی در این نیست که توجه پدران و مادران به تربیت فرزندانشان، تلاشی است که حتما ثمره‌ی آن را در دنیا و آخرت برداشت خواهند کرد. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «هنگامی که فرزند آدم بمیرد، عملش قطع می‌شود مگر از سه چیز: صدقه‌ی جاریه، یا علمی که مردم از آن سود ببرند، یا فرزند صالحی که برایش دعا کند».^۱

چنان‌که در این حدیث آمده، تنها فرزند صالح برای انسان سودمند خواهد بود و این تشویقی است بس بزرگ که هرگونه تلاشی را برای محقق ساختن یک برنامه‌ی صحیح در راه تربیت ایمانی فرزندانمان، با ارزش می‌سازد.

بر اساس برخی از پژوهش‌ها، به طور کلی تاثیر رسانه در بنای فرهنگی کودکان ممکن است به ۹۵ درصد برسد، و بر اساس همین پژوهش‌ها فیلم‌های کارتون، خطرناک‌ترین تاثیر را دارا می‌باشد. بیشتر این برنامه محصول آمریکا است که سهم ۷۰ درصدی را در این صنعت دارا می‌باشد و طبیعی است که تولیدات آن‌ها با عقده و هویت خود آنان سازگار است، یعنی تهی از هرگونه مضمون اسلامی یا اخلاقی و ارزشی.^۱

نیاز به توضیح ندارد که عقایدی که کودک دریافت می‌کند اثری ژرف در شخصیت وی باقی خواهد گذاشت و در اندیشه‌ی کودک و مسیر زندگی وی تاثیر خواهد داشت. عقیده‌ی صحیح و اخلاق نیک، رابطه‌ی مستقیمی با یکدیگر دارند و رسانه‌ها می‌توانند نقش بزرگی در راسخ نمودن عقیده‌ی صحیح و مبارزه با انحرافات و عقاید فاسد بازی کنند، به ویژه پس از باز شدن درهای جوامع بر دیگر جوامع و فرهنگ‌ها.^۲

بیشتر کودکان ساعت‌های طولانی را به صورت روزانه در برابر صفحه‌ی تلویزیون می‌گذرانند؛ چه محتوای برنامه‌های تلویزیونی زیر نظر خانواده

۱- دکتر شحاته محروس، استاد روانشناسی دانشگاه حلوان. نگا:

<http://muslimeng.org/vb/showthread.php?t=۴۵۸۶>

۲- روزنامه‌ی الجزيرة، شماره (۱۲۳۲۱) جمعه ۲۷ جمادی الاولی ۱۴۲۷ هجری. این پژوهش توسط خانم هدی محمد بن جار الله الغفیض به عنوان رساله‌ی دکترای تحت عنوان «تاثیر رسانه‌های تصویری بر عقیده‌ی کودک» در بخش پژوهش‌های اسلامی دانشکده‌ی تربیت معلم بریده، تهیه شده است.

انتخاب شود یا نه، و در نتیجه محتوای دیداری و شنیداری واقعی یا حتی تخیلی را از این رسانه‌ها دریافت می‌کنند.

تأثیر این رسانه‌های بر کودکان ما و رفتار آنان تا چه حد است؟

نقش پدر و مادر در برابر این تأثیر، چیست؟

کی و تحت چه شرایطی کودکان می‌توانند بدون هیچ محدودیتی از این برنامه‌ها استفاده کنند؟

به سبب اهمیت این مساله و برای توجه به آن، به نظرم آمد این پژوهش مختصر را درباره‌ی «فیلم‌های کارتون و تأثیر آن بر عقیده‌ی کودکان و نوجوانان» به رشته‌ی تحریر آورم.

این پژوهش متشکل از سه فصل کلی و چند مبحث می‌باشد:

فصل اول:

اهمیت تربیت بر عقیده‌ی صحیح که مشتمل بر این مباحث است:

مبحث اول: اهمیت عقیده و جایگاه آن در دین.

مبحث دوم: تأثیر پذیری فرزند از تربیت زود هنگام در دوران کودکی.

مبحث سوم: تاریخ شکل‌گیری فیلم‌های کارتون.

مبحث چهارم: فیلم‌های کارتون و تأثیر آن بر کودکان.

فصل دوم:

فیلم‌های کارتون، شکل‌گیری آن و تأثیر آن، که مشتمل بر چند مبحث است:

مبحث اول: آثار واقعی فیلم‌های کارتون بر کودکان.

مبحث دوم: نمونه‌هایی از اشتباهات مربوط به عقیده در فیلم‌های کارتون که شامل پنج بخش است:

اول: نمونه‌هایی از تأثیر آن بر عقیده‌ی کودکان درباره‌ی توحید ربوبیت.

دوم: نمونه‌هایی از تأثیر آن بر عقیده‌ی کودکان درباره‌ی توحید الوهیت.

سوم: وجود نمادهای دیگر ادیان در برخی از فیلم‌های کارتون.
 چهارم: وجود سحر و جادوگری یا اشاره به آن در برخی از این فیلم‌ها.
 پنجم: وارد شدن برخی از فیلم‌های کارتون به مبحث ایمان به آخرت از روی تمسخر.

فصل سوم:

معالجه‌ی آثار منفی این فیلم‌ها.
 مبحث اول: حکم شرعی این فیلم‌ها.
 مبحث دوم: واکنش کردن کودکان.
 مبحث سوم: جایگزین‌های پیشنهادی.
 پایان پژوهش، منابع و فهرست.
 از خداوند متعال خواهانم این پژوهش را سودمند گرداند و آن را خالصاً
 در راه رضایت خود قرار دهد؛ آمین.

دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

استادیار در دانشکده‌ی تربیت معلم، دانشگاه ملک سعود در ریاض

۲۴ ربیع الاول ۱۴۳۰ هجری قمری.

فصل اول:

اهمیت تربیت بر اساس عقیده

مبحث اول:

اهمیت عقیده و جایگاه آن در دین

نیاز ما به عقیده‌ی صحیح، بیش از هر نیاز دیگر و ضرورت آن بالاتر از هر ضرورت دیگری است. خوشبختی و سعادت قلبی و شادی درونی وجود نخواهد داشت مگر با عبادت پروردگار و خالق متعال.

عقیده‌ی اسلامی، بزرگترین واجب در این دین و مهم‌ترین آن است؛ این نخستین چیزی است که کودکان بر آن تربیت می‌شوند و کافران به سوی آن دعوت می‌شوند، چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «دستور داده شده‌ام که با مردم بجنگم تا آنکه گواهی دهند که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد، فرستاده‌ی الله است»^۱ و عقیده‌ی اسلامی، تنها عقیده‌ای است که امنیت و استقرار و خوشبختی و سعادت را محقق می‌گرداند، چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿بَلَا مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۱۱۲]

«آری؛ هر که خالصانه رو به الله کند و نیکوکار باشد پاداش او نزد پروردگارش محفوظ است و نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین خواهند شد».

چنان که تنها عقیده‌ی اسلامی است که می‌تواند آسایش و رفاه را محقق گرداند:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ﴾ [الأعراف: ۹۶]

«و اگر اهل شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌ساختند بی‌شک برکاتی از آسمان‌ها و زمین به رویشان می‌گشودیم».

همچنین عقیده‌ی اسلامی سبب به دست آمدن قدرت و تمکین در زمین، و برپایی حکومت اسلام است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۵]

«و به راستی که پس از ذکر (تورات) در زبور نوشتیم که: زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد».

عقیده‌ی اسلامی اهمیتی بسیار در زندگی انسان و بلکه در زندگی بشریت دارا است؛ برای همین لازم است فرزندان بر اساس آن تربیت شوند و آن را از آلودگی‌ها و شوائب دیگر، پاک داشت.

همه‌ی پیامبران برای دعوت به سوی همین عقیده‌ی صحیح فرستاده شده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا
فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵]

«و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آنکه به او وحی نمودیم که معبودی [به حق] جز من نیست، پس مرا عبادت کنید».

محقق نمودن توحید الوهیت و عبادت کردن الله متعال به تنهایی، هدف نخست از آفرینش انس و جن است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]

«و جنیان و انسان‌ها را نیافریدم، جز آنکه مرا عبادت کنند».

پذیرش اعمال نیک متوقف بر تحقق توحید از سوی بندگان است و کامل بودن اعمال نیز به کامل بودن توحید بستگی دارد. بنابراین هر نقصی در توحید بنده ممکن است عمل او را بی‌ارزش و یا ناقص کند. همچنین عقیده، رابطه‌ی میان بنده و پروردگارش را از نظر شناخت و یگانه پرستی و عبادت فراگیر، تعیین می‌کند. اساس سعادت بنده در دنیا، شناخت الله متعال است، زیرا نیاز بنده به الله بالاتر از هر نیاز دیگری است و بنده هیچ آسایش و آرامشی نخواهد داشت، مگر با شناخت پروردگار و عبادت نیکوی او.

تربیت کودکان بر اساس عقیده آنجا اهمیت خود را نشان می‌دهد که این عقیده به همه‌ی سوالاتی که به ذهن کودک و بزرگ‌خویش می‌کند پاسخ می‌دهد از جمله صفات آفریدگار عز و جل و آغاز و پایان خلقت و دیگر مسائل. برای همین است که تمرکز قرآن و سنت بر بیان و تقریر و تصحیح عقیده است و این را می‌توان به وضوح در همه‌ی نصوص شرعی دید.

هر بنایی - چه مادی و چه معنوی - به شالوده‌ای نیاز دارد که بر آن ساخته شود؛ دین اسلام نیز بنایی است کامل که همه‌ی زندگی انسان مسلمان، از تولد تا مرگ، و سرنوشت او پس از مرگ را در بر می‌گیرد. این بنای متین بر شالوده‌ی عقیده‌ی اسلامی بنا شده که خاستگاه آن، توحید پروردگار و بزرگداشت وی و حمایت از توحید است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳]

«بگو همانا نماز و [دیگر] عباداتم و زندگی و مرگم از آن الله، پروردگار جهانیان است (۱۶۲) که شریکی ندارد و به این کار امر شده‌ام و من نخستین مسلمانان هستم».

اسلام برای عقیده اهمیت بسیاری قائل است و از جهت ثبوت آن در نصوص و بیان آن و هم از جهت آثاری که بر درون معتقدان می‌گذارد، به آن ارزش داده است.

برای همین می‌بینیم که پیامبر خدا ﷺ سال‌ها در مکه ماند و در این مدت قرآن بر وی نازل می‌شد که بیشتر به بنای عقیدتی می‌پرداخت و هنگامی که عقیده در درون مسلمانان رسوخ یافت، تشریعات دیگر، پس از هجرت به مدینه نازل گردید.

عقیده از ضروریات زندگی انسان است که نمی‌توان از آن بی‌نیازی جست، چرا که انسان به حسب فطرت خود گرایش به این دارد که به نیروی برتر پناه بجوید؛ نیرویی که آن را صاحب قدرتی خارق العاده و تسلط کامل بر خود و دیگر مخلوقات می‌داند،^۱ و این اعتقاد باعث محقق شدن میل فطری انسان به دینداری و اشباع آن است. نخستین دستاورد این عقیده، باوری است که با فطرت انسانی در توافق است و به خرد انسانی و جایگاه او در این جهان احترام می‌گذارد. این چیزی است که عقیده‌ی اسلامی به ارمان آورده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾ [الأنعام: ۸۲]

«کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم (شرک) آلوده نساختند، اینان سزاوار امنیت هستند و اینانند که هدایت یافته‌اند».

۱- با دقت به برخی از فیلم‌های کارتون می‌توان نیروهای خارق العاده‌ای را دید که سعی دارند آن را در ذهن کودکان فرو برند. این شخصیت‌ها ویژگی‌ها و قدرتهای خارق العاده‌ای دارند که با صفات آفریدگار ﷻ در رقابت است. در ادامه‌ی کتاب به این مساله خواهیم پرداخت.

عقیده‌ی اسلامی و عبادات و معاملات و سلوک در این دین همه یک هدف دارند و آن خالص گرداندن دین برای الله متعال است. این هدف متحد اهمیت بسیاری در فهم دین اسلام و تربیت کودکان بر اساس آن دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾ [النساء: ۱۲۵]

«و دین چه کسی بهتر از آن کسی است که خود را تسلیم الله نموده و نیکوکار است؟».

عقیده اگر بر قلب‌ها چیره شود باعث اطمینان به الله می‌شود و ترس هر چیز دیگر غیر از او را از بین می‌برد و در نتیجه انسان تنها در برابر الله فروتن و خاشع می‌شود. تربیت کودکان بر این اساس که تنها الله را بزرگ بردارند و در همه‌ی کارها تنها به او روی آورند، باعث محقق شدن ایمان و یقین در درون کودک می‌شود؛ در نتیجه او در ادامه‌ی زندگی تنها بنده‌ی الله خواهد بود و اینگونه همه‌ی مخلوقات در چشمان او کوچک خواهند شد و به چنان یقینی دست خواهد یافت که دیگر عقاید و مفاهیم گمراه، پشت دیوار آن از بین خواهند رفت. عقایدی که اهل فساد، از طریق فیلم‌های کارتون و دیگر ابزار سعی در نفوذ آن در فکر و ذهن کودکان ما دارند.

مبحث دوم:

تأثیر پذیری کودکان از تربیت در مراحل زودهنگام

شکی در این نیست که تصاویر رنگین توجه کودکان را به خود جلب می‌کند، به همین سبب می‌توان مرحله‌ی پیش از دبستان را مرحله‌ی تصاویر رنگارنگ دانست، چه تصاویر موجود در مجلات یا تصاویری که از تلویزیون پخش می‌شود.

کودک از مرحله‌ی برداشتن کتاب یا مجله به مرحله‌ی اشاره به تصاویر تا نام بردن اشیاء و سپس ربط میان تصاویر و کلمات و شناخت معنا و در پی آن پی‌گیری داستان و فهم خواندن و نوشتن منتقل می‌شود.

کودکانی که در مرحله‌ی سنی میان پنج سال و نه سال و دوازده سال هستند روزانه حجم بالایی از برنامه‌های تلویزیونی را تماشا می‌کنند که تأثیر آن را می‌توان به طور آشکار در رفتار و طرز فکر و حتی گفتار کودک مشاهده کرد.

کودک در مراحل نخست سنی خود به تقلید گرایش دارد و قابلیت بالایی برای پیروی و الگوپذیری از خود نشان می‌دهد. چنان‌که قدرت وی در تفکر مجرد بسیار خوب است. به همین سبب تربیت وی بر مبانی دین و حمایت او از افکار منحرف بسیار مهم است، به ویژه آنکه کودک آماده پذیرش و قانع شدن است.

مبحث سوم:

پیدایش فیلم‌های کارتون

پویانمایی قدمتی بیش از عکس برداری دارد که در سال ۱۸۳۵ میلادی اختراع شد. در حالی که تصاویر متحرک از سال ۱۸۳۴ میلادی [یا پیش از آن] بر روی استوانه‌هایی با نام زوتروپ به نمایش گذاشته می‌شد. اولین نمایش سینمایی این فیلم‌ها در «گرند کافه» فرانسه به سال ۱۸۹۶ بود.^۱ اما در منطقه‌ی ما، فیلم‌ها کارتون با آغاز قرن بیستم راه خود را به جوامع مسلمان باز نمود، سپس با افتتاح تلویزیون مصر در سال ۱۹۶۰ وارد مرحله‌ی جدیدی شد.

پس از آن این هنر پیشرفت چشمگیری نمود، اما همچنان در سیطره‌ی تولیدات خارجی به ویژه آمریکا است که در برگیرنده‌ی الگوهایی فاسد و ارزش‌هایی ویرانگر است. ارزش‌هایی که با آنچه شایسته است کودکان ما بر اساس آن تربیت شوند و دین و فرهنگ ما هم‌خوانی ندارد.^۲

۱ - منبع: استاد محمد خلیل، مجله‌ی تبیان، (www.hadiselislam.com)

مبحث چهارم: فیلم‌های کارتون و تاثیر آن بر کودکان

فیلم‌های کارتون، داستان‌هایی مصور هستند که اندیشه و فرهنگ پدید آورندگان خود را منعکس می‌کنند و می‌توان گفت این فیلم‌ها در بر گیرنده‌ی عقاید و اخلاق پدید آورنده‌ی آن است که معمولاً بیننده‌ی اثر - خودآگاه یا ناخودآگاه - از آن تاثیر می‌پذیرد.

بر اساس پژوهش‌ها، بیش از هفتاد درصد فیلم‌های انیمیشن در ایالات متحده تولید می‌شود^۱ که نمی‌تواند تپه‌ی از اندیشه و فرهنگ سازندگان آن باشد. اندیشه‌هایی که سازندگان آن به عمد در داستان‌های خود تزریق می‌کنند.

بسیاری از این فیلم‌ها به مثابه‌ی جنگی فکری - عقیدتی علیه اسلام و مسلمانان و اخلاق و فرهنگ اسلامی است. جنگی که عقیده‌ی فرزندان مسلمانان و ثوابت دین و ایمان به خداوند و کتاب‌ها و پیامبران او را هدف گرفته است.^۲

بر اساس تعدادی از پژوهش‌ها، سنی که کودکان وابسته‌ی رسانه‌ها می‌شوند در پسران سن سه سالگی و در دختران سن پنج سالگی است و این مدت مهم‌ترین مرحله‌ی رشد کودک و بنای افکار و عقاید اوست.^۳

۱ - نگا: www.almasloob.com/vb/t۲۰۳۶۱.html

۲ - در مبحث‌های آتی مثال‌هایی برای این موضوع خواهیم آورد.

۳ - نگا: www.midad.me/fatwa/print/۲۴۲۴۲

همچنین این تحقیقات بیانگر این است که تعداد بسیار زیادی از مادران و پدران از اهمیت نقش فیلم‌های کارتون در تاثیرگذاری بر عقیده و اخلاق کودکان بی اطلاع هستند و این نشانگر اهمیت پرداختن به این موضوع است.^۱

علاوه بر آنچه بیان شد، آسانی دریافت افکاری که در فیلم‌های کارتون نهفته است و پذیرش آن از جانب کودکان، باعث می‌شود به اهمیت بررسی محتوایی که قرار است توسط کودک تماشا شود، پی ببریم.

همچنین تماشای مستمر کارتون‌هایی که هیچ ارتباطی با محیط فرهنگی و پوشش و اندیشه‌ی جامعه‌ی کودک ندارد باعث ضعیف شدن افتخار کودک به فرهنگ خود و سست شدن ارتباط او با دینش می‌شود چرا که این فیلم‌ها نه محبت اسلام را در قلب کودکان می‌کارد و نه وی را از ارزش مسلمان و موحد بودن آگاه می‌کند.^۲

آنچه پژوهش‌ها آشکار می‌سازد این است که درصد بالایی از کودکانی مدت زمانی بیش از زمان حضور در مدرسه یا با خانواده‌های خود را در برابر صفحه‌ی تلویزیون سپری می‌کنند. چنان‌که فیلم‌های انیمیشن ۸۸٪ محتوایی که کودکان به تماشا می‌نشینند را تشکیل می‌دهد و ۶۱٪ آنچه توسط کودکان مشاهده می‌شود از طریق کانال‌های ماهواره‌ای است.^۳

۱ - روزنامه‌ی الجزیره، شماره‌ی ۱۲۳۲۱، جمعه ۲۷ جمادی الاولی ۱۴۲۷ ه.ق. این پژوهش توسط خانم هدی الغفیض تحت عنوان «تاثیر فیلم‌های کارتون بر کودک در مراحل مختلف زندگی وی» انجام شده است.

۲ - ۱۱۲۰۱۸/ ref/۱۱۲۰۱۸/ ar/ www.islam-qa.com

۳ - این پژوهش توسط حاتم حمدی محمود تهیه شده است.

فصل دوم:

**تأثیر فیلم‌های کارتون بر عقیده‌ی
کودکان**

مبحث اول:

آثار واقعی فیلم‌های کارتون بر کودکان

فیلم‌های کارتون تاثیر آشکاری بر اخلاق و عقاید و اندیشه‌ی کودکان و نوجوانان دارند. اگر کودکانی را که مدتی بیش از ده ساعت در هفته به تماشای این برنامه‌های می‌نشینند مورد بررسی قرار دهیم به وضوح این تاثیر را مشاهده خواهیم کرد.

تحقیقی میدانی بر روی ۱۱۶۴ نفر انجام شد که برخی از آنان کودکانی ۷ تا ۱۳ ساله بودند و همچنین پدران و مادران کودکان ۷ تا ۱۳ ساله و معلم‌های مدارس ابتدایی و متوسطه.

سوال‌ها درباره‌ی محتوای فیلم‌های کارتون خارجی بود که به طور اتفاقی در طول مدت دو ماه از برنامه‌های تلویزیون رسمی سعودی و بحرین و کانال اسپیس تون (Spacetoon) انتخاب شده بودند.

از این پژوهش این نتایج به دست آمد:

۱- همه کودکان شرکت کننده در نظرسنجی فیلم‌های کارتون را تماشا می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند.

۲- کودکان شرکت کننده ترجیح می‌دهند فیلم‌های کارتون را از ماهواره یا دی وی دی تماشا کنند.

۳- فیلم‌های کارتون تاثیر متوسطی بر زبان و قدرت بیان کودکان دارند.

۴- فیلم‌های کارتون تاثیر متوسطی بر فرهنگ و اطلاعات کودکان دارند.

۵- کودکان، فیلم‌های کارتون خارجی دوبله شده به زبان خودشان را بیشتر دوست دارند و ترجیح می‌دهند داستان آن تخیلی باشد.

۶- فیلم‌های کارتون بر عقیده‌ی کودک مسلمان و مفهوم حلال و حرام در ذهن وی تاثیر می‌گذارند.

۷- نوع شخصیت قهرمانان فیلم‌های کارتون خارجی بر واکنش‌های کودک و رفتار او تاثیر می‌گذارد.

۸- به نظر پدر و مادرهای شرکت کننده در نظرسنجی، فیلم‌های کارتون خارجی در حد بالایی بر رفتار کودک تاثیر می‌گذارند.

۹- فیلم‌های انیمیشن خارجی در بر گیرنده‌ی عقاید عجیبی است که سعی در ایجاد شک در وجود پروردگار و مفهوم حلال و حرام در وجود کودک دارد، به طوریکه برای مثال، مفاهیم مغایر با دین در فیلم‌های تلویزیونی ۹۶/۴٪ (نود و شش ممیز چهار دهم درصد) بوده، در حالی که مفاهیم موافق با دین در این فیلم‌ها ۶/۳٪ (سه ممیز، شش دهم درصد) بوده است.

۱۰- فیلم‌های کارتون خارجی حاوی ارزش‌های منفی‌ای است که هم از نظر تنوع و هم از نظر کمیت بیشتر از ارزش‌های مثبت آن است، به طوری که ارزش‌های سلبی فیلم‌های تلویزیونی به نسبت ۷۵/۳٪ (هفتاد و پنج، ممیز سه دهم درصد) بوده در حالی که ارزش‌های مثبت این فیلم‌ها تنها ۲۴/۷٪ (بیست و چهار، ممیز هفت دهم درصد) بوده است.

۱۱- فیلم‌های کارتون خارجی حاوی اطلاعاتی ناچیز است که همان مقدار نیز در درستی و مستند بود آن دقت کافی رعایت نشده.

۱۲- این فیلم‌ها دیوار روحی روانی را که اسلام میان ما و برخی حیوانات قرار داده، شکسته است. مثلاً خوک که خوردن گوشت آن حرام است و سگ که نگهداری آن در خانه جایز نیست و خرس‌ها که محیط اجتماعی ما میانه‌ای با آن ندارد، همه توسط این فیلم‌ها تبدیل به قهرمانانی محبوب برای کودکان شده‌اند به طوری که کودکان برای خرید عروسک‌ها و

مجسمه‌های آن علاقه‌ی زیادی نشان می‌دهند و حتی برخی از آنان در حالی که «خرسک» یا سگ عروسکی خود را بغل کرده‌اند به خواب می‌روند.^۱

برخی از کودکان نیز تصاویر این حیوانات و شخصیت‌های کارتونی را بر در و دیوار اتاق خود می‌زنند، گویا خانواده‌ی آنان نمی‌دانند که ملائکه وارد خانه‌ای که تصاویر در آن باشد، نمی‌شوند و اینگونه کودکان خود را از همراهی و حفظ فرشتگان محروم می‌کنند. از ام المومنین عائشه رضی الله عنها روایت است که وی بالشی خریده بود که تصاویری بر آن بود؛ هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را دید کنار در ایستاد و وارد نشد. ام المومنین می‌گوید: در چهره‌ی ایشان ناخشنودی را دیدم. گفتم: ای پیامبر خدا، به الله و پیامبرش باز می‌گردم! چه گناهی کرده‌ام؟! فرمود: «این بالش چیست؟» گفتم: آن را خریده‌ام که بر آن تکیه دهی و زیر سرت بگذاری. فرمود: «اصحاب این تصاویر در روز قیامت مورد عذاب قرار می‌گیرند و به آنان گفته می‌شود: آنچه را آفریده‌اید زنده کنید! همانا فرشتگان وارد خانه‌ای که این تصاویر در آن باشد، نمی‌شوند».^۲

۱۳- و این به غیر از ریشه دواندن وحشتناک این شخصیت‌ها در روح و روان کودک است به طوری که کودکان نسبت به آن احساس وابستگی روحی می‌کنند.

۱ - فیلم‌های کارتون و تأثیر آن بر کودکان در عربستان سعودی. رساله‌ی فوق لیسانس استاد فاطمه احمد خلیل ابوظریفه.

۲ - به روایت بخاری (۲۱۴۷).

مبحث دوم:

نمونه‌هایی از اشتباهات عقیدتی موجود در فیلم‌های

کارتون

عقیده، اصل و عصاره‌ی دین و راه پروردگار است. پیامبر ﷺ و یاران وی و سلف امت پس از آنان به بیان عقیده و حمایت از آن و دور کردن ناخالصی‌ها از آن اهمیت بسیاری می‌دادند.

احادیث وارده از رسول خدا ﷺ دال بر اهمیت توحید، از نظر تعداد بسیار، و از نظر روش متنوع است.

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «من در نزدیکی قیامت با شمشیر مبعوث شدم تا الله به تنهایی و بدون هیچ شریکی پرستیده شود».^۱

و عبادة بن صامت رضی الله عنه روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هر که گواهی دهد معبودی به حق جز الله نیست و اینکه محمد بنده و پیامبر اوست و اینکه عیسی بنده‌ی الله و پیامبر او و کلمه‌ای است که به مریم القا نموده و روحی از جانب اوست، و بهشت حق است و آتش حق است، او را وارد بهشت خواهد کرد».^۲

۱ - به روایت امام احمد (۵۰/۲) و ابن ابی شیبة در مصنف (۱۵۰/۶). شیخ آل‌بانی

در ارواء الغلیل (۱۰۹/۵) و صحیح الجامع (۸۳) آن را صحیح دانسته است.

۲ - به روایت بخاری (۴۷۴/۶ - فتح الباری) و مسلم (۳۱۰/۱) - نووی.

و ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله معاذ را به یمن فرستاد فرمود: «تو به نزد قومی از اهل کتاب خواهی رفت؛ پس نخستین چیزی که آنان را به سوی آن فرا می‌خوانی این باشد که تنها الله را عبادت کنند؛ اگر این را دانستند به آنان بگو که الله پنج نماز را بر آنان فرض کرده است...»^۱.

از معاذ بن جبل رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: «ای معاذ، آیا می‌دانی حق الله بر بندگان چیست؟» گفتم: الله و پیامبرش داناترند. فرمود: «این است که او را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نیاورند. ای معاذ آیا می‌دانی که حق بندگان بر الله چیست؟» گفتم: الله و فرستاده‌اش داناترند. فرمود: «اینکه [در این صورت] آنان را عذاب ندهد...»^۲.

همچنین در حدیث جبرئیل، هنگامی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی اسلام پرسید، ایشان فرمودند: «اسلام این است که تنها الله را عبادت کنی و به وی چیزی را شریک نیاوری و نماز را برپا داری...»^۳.

و نصوص بسیاری جز این‌ها که از آن می‌توان پی به بزرگی توحید خداوند برد و اینکه توحید بزرگترین دستوری است که الله جل و علا به بندگان و پیامبرش صلی الله علیه و آله داده، و پاداش آن بهشت است.

شارح طحاویه می‌گوید: «بدان که توحید نخستین دعوت پیامبران و نخستین منزلگاه راه و اولین مقامی است که سالک راه خداوند در آن خواهد ایستاد. الله متعال می‌فرماید:

۱ - به روایت بخاری (۳۶۷/۱۳ - فتح الباری) و مسلم (۲۷۲/۱ - نووی).

۲ - به روایت بخاری (۱۲۳۴) و مسلم (۳۱۹۰).

۳ - به روایت بخاری (۱۱۱۴).

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾ [الأعراف: ۵۹]

«بی‌شک نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس [خطاب به آنان] گفت: ای قوم من، الله را عبادت کنید که شما معبودی جز او ندارید».^۱

همین‌طور همه‌ی پیامبران، هود و صلاح و شعیب. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶]

«ما به میان هر ملتی پیامبری فرستادیم [با این پیام] که الله را پرستید و از طاغوت دوری گزینید».

سپس شارح طحاویه می‌گوید: «بنابراین توحید نخستین دری است که از آن وارد اسلام می‌شوند و آخرین چیزی است که با آن از دنیا می‌روند، چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر که آخرین سخنش لا اله الا الله باشد، وارد بهشت می‌شود»^۲ چرا که آن نخستین واجب و آخرین واجب است».^۳

به همین سبب، سلف - که خدای رحمتشان کند - بیشترین اهمیت را برای قضیه‌ی عقیده و توحید قائل بودند، چه از جنبه‌ی تربیت کودکان بر آن، یا در دفاع از توحید و بزرگداشت مقام و منزلت آن. سلف صالح - رحمه‌م - الله - نیز راه پیامبرشان ﷺ که اهمیت به توحید و نشر و بیان آن و راهنمایی مردم به سمت یگانه پرستی و اقامه‌ی حجت بود، را ادامه دادند، و پرچم توحید را همه جا بر افراشته ساختند. صحابه‌ی پیامبر در همه‌ی

۱ - شرح عقیده‌ی طحاویه (۱/ ۱۹).

۲ - به روایت ابوداود (۳۶۱۶).

۳ - شرح عقیده‌ی طحاویه (۱/ ۲۱-۲۳).

سرزمین‌هایی که فتح نمودند توحید را گسترش دادند و همه‌ی تلاش خود را در راه خارج ساختن بندگان از بندگیِ بندگان به بندگیِ پروردگار، و از تاریکی دنیا به فراخی آخرت، مبذول داشتند، و آثار نقل شده از آنان در این باره بسیار است، از جمله:

ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: «هر که دوست دارد به وصیت محمد صلی الله علیه و آله که مهر وی بر آن هست بنگرد این سخن خداوند متعال را بخواند که:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾
[الأنعام: ۱۵۱]

«بگو بیایید تا آنچه را پروردگارتان برای شما حرام ساخته بر شما بخوانم: اینکه به او چیزی را شریک نیاورید...».

ابوالعالیه می‌گوید: «اسلام را فرا گیرید و بر راه مستقیم و سنت پیامبرتان و آنچه اصحاب وی بر آن بودند پایبند بمانید و از این هوس‌ها که باعث دشمنی و کینه‌ی میان مردم شده دوری گزینید».^۱

ابن عباس چنین توصیه می‌کرد که: «بر راه راست استقامت ورزید؛ پیروی کنید و بدعت نیاورید».^۲

ابن مسعود رضی الله عنه نیز می‌گفت: «میانه‌روی در سنت بهتر از تلاش در بدعت است».^۳

زُهری می‌گوید: «چنگ زدن به سنت [راه] نجات است».^۴

۱ - الإبانة، ابن بطه (۱/ ۲۹۹).

۲ - پیشین (۱/ ۳۱۴).

۳ - شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة (۱/ ۵۵).

۴ - پیشین (۱/ ۵۶).

اوزاعی می‌گوید: «نفس خود را بر سنت شکیبایی ده و همانجایی بایست که آن قوم (سلف) ایستادند و همانی را بگو که آنان گفتند و از آنچه آنان دست نگه داشتند، دست نگه دار و راه سلف صالح خود را پیما که آنچه برای آنان کافی بود برای تو نیز کافی است».^۱

صحابه و تابعین و امامان و عالمان و فاضلانی که پس از آنان آمدند نیز بر همین راه و روش بودند. کسانی که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، امانت تبلیغ شرع و نشر توحید را در میان مردم بر عهده گرفتند که تلاششان در این باب بر همه آشکار است.

اما کسی که امروزه بسیاری از فیلم‌های کارتون را مشاهده کند اشتباهات عقیدتی را در آن به وضوح مشاهده خواهد کرد؛ اشکالاتی که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت از جمله جرات بر آفریدگار و بزرگداشت برخی از مخلوقات به حد بندگی، یا دادن برخی از صفات خالق به مخلوقان به همراه کوچک شمردن روز قیامت و دیگر امور عقیدتی.

اینجا نمونه‌هایی از اینگونه اشکالات عقیدتی که در برخی کانال‌ها پخش می‌شود و فرزندان مسلمانان آن را مشاهده می‌کنند را در پنج محور عرضه خواهیم کرد:

محور نخست: نمونه‌هایی از تاثیر فیلم‌های کارتون بر عقیده‌ی کودک درباره‌ی توحید ربوبیت

توحید ربوبیت چیست؟ توحید ربوبیت یعنی یگانه دانستن الله در کارهایی که دال بر پروردگاری اوست و کسی در آن با وی شریک نیست؛ مانند خلقت مخلوقات و تدبیر امور آنان و قیام به منافع و زندگی آنان و هر

چه بر آن مترتب است؛ زیرا کلمه‌ی «رب» در عربی به معنای سرور مالک است، بنابراین معنای ربوبیت به ملک و تدبیر و رعایت پروردگار مربوط است.

اساس این توحید اعتراف به این است که الله همان پروردگاری است که به تنهایی آفریده و ملک و تدبیر مخلوقات فقط به دست اوست، به همین سبب اصل در این نوع توحید این است که به عمل قلب بستگی دارد و بدن نیز تابع قلب است، به خلاف توحید الوهیت که هم به عمل قلب و هم به عمل بدن مربوط است.

توحید ربوبیت یعنی واحد دانستن الله در سه چیز:
نخست: آفرینش؛ یعنی: کسی جز الله قادر به آفرینش نیست.
دلایل این توحید بسیار است، از جمله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ [النحل: ۲۰]

«و کسانی را که جز الله فرا می‌خوانند چیزی نمی‌آفرینند و خود آفریده شده‌اند».

و می‌فرماید: ﴿أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَّهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ﴾ [الرعد: ۱۶]

«یا برای الله شریکانی پنداشته‌اند که مانند آفرینش او آفریده‌اند و در نتیجه [این دو] آفرینش بر آنان مشتبّه شده است؟»

و می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ [الرعد: ۱۶]
«بگو الله خالق همه چیز است».

و باز الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ﴾ [الحج: ۷۳]

«کسانی که آنان را به جز الله به فریاد می‌خوانید نمی‌توانند [حتی] مگسی بیافرینند، هرچند برای آفرینش [آن] اجتماع کنند».

و می‌فرماید: ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾ [لقمان: ۱۱]

«این است آفرینش الله؛ پس به من نشان دهید کسانی که غیر اویند چه آفریده‌اند؟».

و می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ﴾ [النحل: ۱۷]

«آیا کسی که می‌آفریند مانند کسی است که نمی‌آفریند؟».

و می‌فرماید: ﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ [الفرقان: ۳]

«و به جز او خدایانی برگرفته‌اند که چیزی نمی‌آفرینند و خود آفریده شده‌اند».

همچنین می‌فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ﴾ [الأحقاف: ۴]

«بگو به من خبر دهید آنچه را به جای الله فرا می‌خوانید به من نشان دهید که چه چیزی از زمین [را] آفریده‌اند؟»

و می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ﴾ [یونس: ۳۴]

«بگو آیا از شریکان شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند سپس آن را دوباره باز گرداند؟».

و آیات در این باره بسیار است.

دوم: فرمانروایی؛ یعنی او سبحانه و تعالی به تنهایی فرمانروایی و پادشاهی را بر عهده دارد.

ادله در این باب نیز بسیار است، از جمله:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ﴾ [آل عمران: ۲۶]

«بگو: ای الله ای مالک فرمانروایی...».

و می‌فرماید: ﴿تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الملک: ۱]

«خجسته و مبارک است آنکه فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست».

و می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [البقرة: ۱۰۷]

«آیا ندانسته‌ای که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است؟».

و می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ﴾ [فاطر: ۱۳]

«این است پروردگار شما [که] فرمانروایی از آن اوست».

و می‌فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ﴾ [الإسراء: ۱۱۱]

«و بگو ستایش از آن الله است که نه فرزندی برگرفته و نه در فرمانروایی شریکی دارد».

و می‌فرماید: ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى﴾ [طه: ۶]

«آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر خاک است، از آن اوست».

و آیات در این باره بسیار است.

همچنین در این سخن پروردگار متعال دقت کن که می‌فرماید: ﴿بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ «فرمانروایی به دست اوست» [الملک: ۱] و این سخن مبارک او که: ﴿قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ «بگو فرمانروایی هر چیزی به دست کیست؟» [المؤمنون: ۸۸] و سخن وی که: ﴿لَهُ الْمُلْكُ﴾ «فرمانروایی از آن

اوست» [فاطر: ۱۳] و آنجا که می‌فرماید: ﴿لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ «پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آن اوست» [الزمر: ۴۴] و ﴿يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ «هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، تسبیح او را می‌گوید» [الحشر: ۲۴]، و دیگر آیات. بر اساس معانی این آیات می‌توان به یگانه بودن الله [در آفرینش و تدبیر] پی برد.

سوم: تدبیر؛ یعنی او سبحانه و تعالی به تنهایی تدبیر امور و اداره‌ی این جهان را به دست دارد. آیات در این باره بسیار است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَسَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ [الرعد: ۲] «و خورشید و ماه را رام گردانید، هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند. [او] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند و آیات [خود] را به روشنی بیان می‌کند؛ امید که شما به دیدار پروردگارتان یقین بیابید».

و می‌فرماید: ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾ [السجدة: ۵] «کار جهان را از آسمان تا زمین اداره می‌کند».

و می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ﴾ [يونس: ۳۱]

«بگو کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد یا کیست که حاکم بر گوش‌ها و دیدگان است و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده خارج می‌کند و کیست که کارها را تدبیر می‌کند؟».

آیاتی که یگانگی الله در اداره‌ی امور جهان و تدبیر زندگی مخلوقات را می‌رساند بسیار است.

به طور کلی معنای ربوبیت به سه چیز بر می‌گردد: آفرینش و فرمانروایی و تدبیر:

همچنین ربوبیت معانی دیگری را نیز در خود جای می‌دهد مانند رزق (روزی دادن) قبض و بسط (تنگی و گسترده‌گی روزی)، زنده گرداندن و میراندن، دادن فرزند، شفای بیماران، پیروزی بر دشمنان و معانی بسیار دیگری که برخی از آن‌ها را ذکر خواهیم کرد:

سود رساندن و زیان رساندن:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا﴾ [الأنعام: ۷۱]

«بگو آیا به جای الله چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می‌رساند و نه زیانی؟».

و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ﴾ ایونس: ۱۰۶

«و به جای الله چیزی را مخوان که نه سودی برایت دارد و نه زیانی».

و دیگر آیات...

علت یاد کردن وحدانیت الله متعال در سود رسانی و زیان این است که نفی کردن این دو صفت از مخلوق دلیل ناتوانی ذاتی اوست، چه رسد به اینکه بخواهد برای کسی صاحب سود و زیان باشد و تنها کسی که مستحق است از روی بیم و امید پرستیده شود الله است، زیرا وی مالک همه‌ی آن‌هاست.

همچنین روزی رسانی؛ الله متعال روزی را به سوی بندگان خود روانه می‌کند و به دست آوردن آن را برای مخلوقات آسان می‌سازد، و هر چه بندگان در زندگی خود به دست می‌آورند همه از فضل و کرم او سببانه و تعالی است و هیچکس در روزی رساندن به آنان، شریک الله نیست.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثِنًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ﴾ [العنکبوت: ۱۷]

«واقعاً آنچه را که شما به جز الله می‌پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی‌سازید. در حقیقت کسانی را که جز الله می‌پرستید اختیار روزی شما را در دست ندارند؛ پس روزی را پیش الله بجوید و او را بپرستید و وی را سپاس گوید».

اینجا خداوند متعال این را که کسی جز او مالکِ حتی بخش اندکی از روزی بندگان باشد، نفی کرده است. یعنی آنان نه مالکِ روزی مال هستند و نه روزی فرزندان و آب و غذا و سلامتی و دیگر انواعِ روزی. سپس در پایان خداوند متعال بندگان را امر کرده که تنها به وی روی آورند و فرموده: «نزد الله روزی بجوید» و نفرموده که: روزی را نزد الله بجوید، که این برای تاکید بیشتر است.

همچنین می‌فرماید: ﴿هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ [فاطر: ۳]

«آیا غیر از الله آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟»
خداوند متعال روزی را تنها به خود نسبت داده و آن را از دیگران نفی نموده، زیرا چنین پرسشی به معنای نفی است.

همچنین این سخن پروردگار متعال که می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ [الذاریات: ۵۸]

«الله است که خود روزی بخشِ نیرومندِ استوار است».

و دیگر آیات...

همینطور از بین بردن زیان، که کسی جز الله قادر به آن نیست.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ﴾ [الأنعام: ۱۷]

«و اگر الله به تو زبانی رساند کسی جز او بر طرف کننده‌ی آن نیست».

و می‌فرماید: ﴿قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَتُ ضَرَّهُ﴾ [الزمر: ۳۸]

«بگو چه تصور می‌کنید اگر الله بخواهد صدمه‌ای به من برساند آیا آنچه را به جای الله می‌خوانید می‌توانند صدمه‌ی او را برطرف کنند؟».

و می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ آلِ الرَّجَزِ﴾ [الأعراف: ۱۳۵]

«و چون عذاب را از آنان برداشتیم...».

و می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضَرَّهُ﴾ [یونس: ۱۲]

«و چون گرفتاری‌اش را برطرف کنیم...».

و آیات دیگر...

همچنین پیروزی بر دشمنان که تنها از سوی الله است، چنان که خداوند متعال فرموده است: ﴿وَمَا أَلْتَصِرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۲۶]

«و پیروزی نیست مگر از نزد الله...».

و فرموده است: ﴿وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [التوبة: ۱۱۶]

«و شما به جز الله یار و یآوری ندارید».

و می‌فرماید: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ﴾ [آل عمران: ۱۶۰]

«اگر الله شما را یاری کند هیچکس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟».

اما این توحید (ربوبیت) به تنهایی کافی نیست، بلکه باید «توحید الوهیت» به همراه آن باشد. شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله علیه می‌گوید: «مشرکان نیز به توحید ربوبیت اقرار داشتند و به همراه الله معبودان دیگری را نیز عبادت می‌کردند و آنان را همانند الله دوست می‌داشتند؛ به همین سبب این توحید - یعنی توحید ربوبیت - حجتی است علیه آنان».^۱

ابن قیم رحمته الله علیه می‌گوید: «به همین سبب لا إله إلا الله بهترین نیکی‌ها است و توحید الوهیت که کلمه‌ی آن لا إله إلا الله است، اصل کار است. اما توحید ربوبیت که همه‌ی مخلوقات به آن اقرار دارند به تنهایی کافی نیست، هر چند لازم است، و[الی] حجتی است علیه کسی که توحید الوهیت را انکار کند».^۲

اما اگر نگاهی بیندازیم به کارتونهایی که کودکان ما می‌بینند متوجه انواع جسارت و کوچک شمردن این توحید و دادن صفات ربوبیت به مخلوقات خواهیم شد.

برای مثال در برخی از فیلم‌های کارتون الله تعالی را به صورت پیری مهیب و غول پیکر، با ریشی بلند به تصویر می‌کشند که بر ابرها نشسته و باده‌ها به فرمان اوست و هر چه بخواهد انجام می‌دهد.

از دیگر اشکالات برخی از این فیلم‌ها سست کردن عقیده‌ی کودکان نسبت به خداوند تعالی است. برای نمونه در برنامه‌ای که از یکی از شبکه‌های پر طرفدار مخصوص کودکان پخش می‌شد درباره‌ی یکی از مسائل اساسی دین و زندگی ما مسلمانان، آموزش‌هایی دقیقاً برعکس به کودکان ارائه می‌شد. نیامدن باران و قحطی و خشکسالی از جمله مسائلی است که انسان

۱ - مجموع الفتاوی (۱۴ / ۱۸۰).

۲ - طریق الهجرتین (۵۶-۵۷).

مسلمان را به خالق مرتبط می‌سازد. سنت پیامبر ﷺ با بیان سنت نماز استسقاء ضرورت روی آوردن به سوی خداوند در این شرایط را به کودک مسلمان آموزش می‌دهد. اما در این سریال، شخصیت‌های کارتون‌ی در جنگلی منتظر باران هستند؛ سپس بزرگترشان می‌گوید: باران نمی‌بارد مگر هنگامی که با هم بخوانیم! بیایید ترانه‌ای بخوانیم! سپس شخصیت‌های داستان به طور دست جمعی ترانه‌ای را که با رقص و موسیقی همراه است می‌خوانند. پس از خواندن ترانه، وقتی باز هم باران نمی‌بارد یکی از آن‌ها می‌پرسد: پس چرا باران نبارید؟ دیگری می‌گوید: شاید مشغول جستجوی مادرمان، «طبیعت» است.^۱

مثالی دیگر، کارتون‌های «میکی ماوس»^۲ هست. موشی که در فضا زندگی می‌کند و بر آتش فشان‌ها و باران تأثیر می‌گذارد و می‌تواند جلوی فوران آتش فشان‌ها را بگیرد و باران به دست اوست و قدرت جلوگیری از طوفان‌ها را دارد و به دیگران کمک می‌کند! سوالی که اینجا به ذهن می‌رسد این است که چرا این موش در آسمان زندگی می‌کند؟ و چرا او را به گونه‌ای به تصویر می‌کشند که می‌تواند در پدیده‌های زمینی دخالت کند؟! همین‌طور موردی که در بسیاری از فیلم‌های کارتون تکرار می‌شود و غولی را به نمایش می‌گذارد که بر بالای ابرهای زندگی می‌کند و مرغی دارد که تخم طلا می‌گذارد!^۳

۱ - برگرفته از تحقیق دکتر خالد الحلیبی. از چنین شرکیاتی که به سادگی به خورد کودکان ما می‌دهند به خداوند پناه می‌بریم. پدران و مادران آسوده و خوشحالتند که کودکان‌شان در برابر تلویزیون نشسته‌اند و خودشان به کارهایی مشغولند که هر چه مهم باشد مهم‌تر از سلامت کودکان ما از انحراف عقیدتی و اخلاقی نیست.

۲ - با میکی ماوس مشهور کمپانی والت دیسنی اشتباه نشود. (مترجم)

۳ - برگرفته از پژوهش دکتر خالد الحلیبی.

محور دوم: نمونه‌هایی از تاثیر فیلم‌های کارتون بر عقیده‌ی کودک درباره‌ی توحید الوهیت

توحید در لغت از ریشه‌ی وَحَّدَ است، یعنی یکی کردن چیزهای بسیار، و این محقق نمی‌شود مگر با یک نفی و یک اثبات. نفی حکم از هر چیز دیگر و اثبات آن برای آن یگانه.

الوهیت نیز از اله مشتق شده. ابن فارس می‌گوید: «همزه و لام و هاء از یک ریشه است که معنای تَعَبَّد (پرستش) می‌دهد. الله متعال را از این جهت اله می‌نامند که مورد عبادت قرار می‌گیرد. همچنین گفته می‌شود: «تَالله الرجل» یعنی اهل عبادت شد.^۱

معنای الوهیت در اصطلاح: یگانه ساختن الله متعال در عبادت. یعنی تنها الله را عبادت کنی و چیزی را [در عبادت] با او شریک قرار ندهی؛ نه پیامبری مُرْسَل، و نه فرشته‌ای مُقَرَّب، و نه رئیس و پادشاه و هیچ مخلوق دیگری را. یعنی تنها او را از روی محبت و بزرگداشت و رغبت و رَهَبَت مورد پرستش قرار دهی.^۲

حقیقت این عبادت چنین است که همه‌ی انواع عبادت‌ها از جمله دعا و بیم و امید و نماز و روزه و قربانی و نذر و دیگر عبادات، از روی رغبت و رَهَبَت به همراه کمال محبت و فروتنی در برابر عظمت الله متعال، تنها برای او انجام شود.^۳

ابن تیمیة رحمته الله می‌گوید: «حقیقت توحید این است که الله را به یگانگی عبادت کنیم. یعنی تنها او به دعا خوانده شود، خشیت و ترس تنها از او

۱ - مقایس اللغة (۱/ ۱۲۷).

۲ - معجم أَلْفَاظ العقيدة (۱۰۲).

۳ - العقيدة الصحيحة وما يضادها، ابن باز (۶).

باشد و جز بر او توکل نشود و دین تنها برای او باشد نه برای هیچ مخلوق دیگری، و اینکه ملائکه و پیامبران را پروردگار خود قرار ندهیم چه رسد به امامان و شیوخ و علما و دیگران».^۱

علامه بن باز رحمته می‌گوید: «بهترین چیزی که این توحید را تعریف می‌کند این سخن خداوند متعال است که: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶] و این سخن الله متعال که: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الإسراء: ۲۳]».^۲

این توحید را توحید الوهیت، یا الهیه یا توحید عبادت می‌نامند.

شیخ ابن سعدی رحمته می‌گوید: «به این توحید، توحید الهیه هم می‌گویند، زیرا اله بودن، توصیفی است برای الله متعال که شایسته است هر انسانی به آن ایمان بیاورد و یقین داشته باشند که این وصف همیشه همراه اوست و نام بزرگش یعنی «الله» دال بر آن است و این نام مستلزم همه‌ی صفات کمال است. این توحید را «توحید الوهیت» می‌نامند به اعتبار اینکه خالص گرداندن همه‌ی عبادات بنده برای الله، و ملازمت وصف بندگی با همه‌ی معانی آن بر بنده واجب است و این محقق نمی‌شود مگر اینکه بنده پروردگار خود را بشناسد و همه‌ی عبادات خود را مخصوص و خالص او گرداند و برای آن، [همه انواع] شرک را چه کوچک و چه بزرگ، ترک گوید».^۳

ادله‌ی توحید الوهیت بسیار است و منظور از آن یگانگی پروردگار در عبادت است و کسی در این مورد با او شریک نیست:

۱ - منهاج السنة (۳/ ۴۹۰).

۲ - العقيدة الصحيحة وما يضادها، ابن باز (۱۸).

۳ - القواعد الحسان (۴۲).

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶]
 «و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید».

و می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الإسراء: ۲۳]

«و پروردگار تو مقرر کرده که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] نیکی کنید».

و می‌فرماید: ﴿إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ [یوسف: ۴۰]
 «[حکم] [و فرمان] جز از آن الله نیست؛ امر نموده که جز او را نپرستید».

همچنین پروردگار ما می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾ [البقرة: ۲۱]

«ای مردم پروردگار خود را بپرستید که شما را آفرید».

و می‌فرماید: ﴿قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ تَأْمُرُورِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ﴾ [الزمر: ۶۴]

«بگو آیا مرا دستور می‌دهید که غیر الله را عبادت کنم ای نادانان؟».

و می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾ [الأحقاف: ۲۱]

«و برادر عادیان را به یاد آور آنگاه که قوم خویش را در احقاف بیم داد در حالی که پیش از او و پس از او [نیز] قطعاً هشدار دهندگانی گذشته بودند که جز الله را مپرستید».

این توحید یعنی توحید الوهیت، هدف اصلی از فرستادن پیامبران است، زیرا همه‌ی شریعت‌ها به آن امر کرده‌اند و همه‌ی ادیان آن را برپا داشته‌اند، چنان‌که الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّلُوتَ﴾

[النحل: ۳۶]

«و بی‌شک در هر امتی پیامبری را برانگیختیم [با این پیام که] الله را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید».

و می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵]

«و پیش از تو پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به سوی او وحی کردیم که معبودی به حق جز من نیست پس مرا عبادت کنید».

و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾ [المؤمنون: ۲۳]

«و قطعاً نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس گفت: ای قوم من الله را عبادت کنید که شما معبود دیگری جز او ندارید».

از جمله‌ی این آیات، این سخن پروردگار متعال است که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۲۱]

«ای مردم پروردگارتان را عبادت کنید که شما را و کسانی را که پیش از شما بودند، آفرید؛ باشد که پرهیزگار شوید».

منظور آیات این است که وقتی شما اعتراف دارید او خالق شما و دیگران است پس چگونه جز او را عبادت می‌کنید؟

ابن کثیر رحمته الله درباره‌ی این آیه می‌گوید: «مضمون آیه چنین است که وی آفریننده و روزی دهنده و صاحب این خانه و ساکنان آن و روزی دهنده‌ی

آنان است. بر این اساس او مستحق است که به تنهایی عبادت شود و کسی [در عبادت] با وی شریک قرار داده نشود».^۱

همچنین وی رحمه الله درباره‌ی دو آیه [۶۱ و ۶۲] سوره‌ی عنکبوت می‌گوید: «بسیار پیش می‌آید که الله متعال الوهیت خود را با اقرار [مردم] به توحید ربوبیت ثابت می‌کند زیرا مشرکان به این توحید (یعنی ربوبیت) اعتراف داشتند».^۲

الله متعال بندگان را برای این آفرید که تنها او را عبادت کنند؛ بنابراین کسی که عبادت را برای دیگری انجام دهد آن عبودیت مطلوب و پرستش مطلق را انجام نداده است. خداوند متعال بندگان را بیهوده نیافرده و آنان را بی هیچ امر و نهی رها نکرده، بلکه آنان را آفریده تا این جهان را با طاعت و عبادت آباد کنند.

انسان تنها با اقرار به توحید ربوبیت نجات نمی‌یابد. شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «مشخص است که مشرکان عرب، که محمد صلی الله علیه و آله به سوی آنان فرستاده شده بود در این مورد (توحید ربوبیت) با وی مخالفت نمی‌کردند بلکه اقرار داشتند که الله خالق همه چیز است و حتی با وجود آنکه مشرک بودند به تقدیر نیز ایمان داشتند، بنابراین مشخص است در جهان کسی نیست که سر شرک بودن این نوع شرک (یعنی شرک در ربوبیت) بحثی داشته باشد».^۳

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «و هدف این فنا^۴ در توحید ربوبیت که گواهی دادن به پروردگاری و خالق بودن و مدبر بودن تنها الله است، حق است؛ اما

۱ - تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر (۱/ ۱۸).

۲ - تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر (۳/ ۲۱۴).

۳ - مجموع الفتاوی (۳/ ۹۷-۹۸).

۴ - منظور فنا شدن صوفیان در ربوبیت است. (مترجم)

توحید ربوبیت به تنهایی برای نجات انسان کافی نیست چه رسد به آنکه شهود آن و فنا شدن در آن هدف و مقصد نهایی موحدان باشد، زیرا هدفی که پس از آن هدفی نیست، فنا شدن در توحید الوهیت است».^۱

وی همچنین می‌گوید: «به همین سبب لا إله إلا الله بهترین نیکی‌ها است و توحید الوهیت که کلمه‌اش لا إله إلا الله است اساس کار است، اما توحید ربوبیت که همه‌ی آفریدگان به آن اقرار دارند هرچند لازم است، اما به تنهایی کافی نیست و [در واقع] حجتی است علیه کسی که توحید الوهیت را انکار کند».^۲

اما با دقت در برخی از فیلم‌های کارتون می‌شود ایراداتی درباره‌ی توحید الوهیت مشاهده کرد از جمله:

۱- یاری جستن از غیر الله:

پروردگار عز و جل ما را امر نموده تا در سوره‌ی فاتحه در هر رکعت نماز چنین

بگوییم که: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحه: ۵]

«تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم».

تا بدانیم عبادت کامل نمی‌شود مگر هنگامی که استعانت نیز کاملاً و به تنهایی از آن الله باشد. استعانت یعنی اعتماد کامل قلبی به الله در جلب سود و دفع زیان، به همراه اطمینان کامل به الله در حصول این خواسته و حسن ظن به وی. اعتماد قلبی یعنی آنکه استعانت به الله برای قلب مانند ستون برای ساختمان باشد. منافع نیز هر مطلوبی در امر دنیا و آخرت است، چنان‌که زیان یعنی هر چیزی که انسان در دنیا و آخرت از آن گریزان است. اطمینان به الله متضمن شناخت او و عبادت او به نیکی است، زیرا گمان

۱ - طریق الهجرتین (۳۰).

۲ - طریق الهجرتین (۵۶-۵۷).

نیک به الله از عبادت نیک سرچشمه می‌گیرد و رسول الله ﷺ خطاب به معاذ ﷺ می‌فرماید: «در پی هر نماز این را ترک نکن که بگویی: ای الله، مرا بر شکر و یادت و عبادت نیکویت یاری ده».^۱

الله متعال عبادات را برای ما قرار داده و ما را امر نموده که در امور دین و دنیا از این نمازها یاری جوییم:

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة:

[۴۵]

«از صبر و نماز یاری جوید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان».
بنابراین، استعانت حقیقی با نزدیکی به الله و عبادت او حاصل خواهد شد.

اما استعانت از غیر الله در شفای بیماران یا درخواست نزول باران و زیاد شدن عمر و امثال این خواسته‌هایی که تنها مخصوص الله متعال است، نوعی از شرک اکبر است که انجام دهنده‌اش را از اسلام خارج می‌کند.

همچنین استعانت از مردگان یا غایبان، مانند فرشتگان یا جنیان یا انسان‌هایی که حضور ندارند در جلب سود و دفع زیان، نوعی از انواع شرک اکبر است که خداوند آن را نمی‌بخشد مگر برای کسی که از آن توبه کند. زیرا این نوع استعانت در واقع نوعی قربت و عبادت است که جز برای الله متعال جایز نیست. یکی از دلایل ما این سخن الله متعال است که به بندگان یاد می‌دهد بگویند: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^۲، یعنی: جز تو نمی‌پرستیم و جز از تو یاری نمی‌جوییم.

همچنین این آیات:

۱ - «اللَّهُمَّ اَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ» به روایت بیهقی در شعب الإيمان (۱/۴۶۲۰).

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ [الإسراء: ۲۳]

«و پروردگار تو چنین مقرر نموده که جز او را عبادت نکنید»

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البينة: ۵]

«و دستور داده نشده بودند مگر آنکه الله را بپرستند و در حالی که به توحید

گراییده‌اند دین [خود] را برای او خالص گردانند»

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الحج: ۱۸]

«و همانا مساجد از آن الله است، پس کسی را همراه با الله به دعا نخوانید».

اما در حدیث، سخن ایشان علیه السلام خطاب به ابن عباس رضی الله عنهما ثابت است که فرمود: «اگر خواستی از الله بخواه، و اگر یاری جسته، از الله یاری بجوی».^۱

همینطور در حدیث معاذ رضی الله عنه آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «و حق الله بر بندگان این است که او را عبادت کنند و کسی را [در عبادتش] با وی شریک نسازند».^۲

اما یاری جستن از غیر الله در مواردی که در حدود اسباب عادی باشد که خداوند قدرت آن را به بندگان عطا کرده، جایز است. مانند یاری جستن از پزشک برای علاج بیماری، غذا دادن به گرسنگان و آب دادن به تشنگان و دادن مال توسط انسان بی‌نیاز به فقرا و امثال آن، شرک نیست، بلکه نوعی همکاری است میان بندگان در امور زندگی و به دست آوردن وسایل معیشت. همینطور بهره بردن از زندگانی که حضور ندارند توسط روش‌های حسی تجربی، مانند نامه نگاری و تلگراف و تلفن و دیگر وسایل، اشکالی ندارد.^۳

۱ - ترمذی (۲۵۲۶).

۲ - بخاری (۶۵۰۰).

۳ - فتوای کمیسیون دایم فتوا (۲۱۴).

در برخی از کارتونها، مواردی از اشکالات در باب یاری جستن از غیر الله، وجود دارد. از جمله: کودکی که از میان ابرها بیرون می‌آید تا کسانی را که دچار مشکل شده‌اند نجات دهند. در همین حال می‌گوید: «یک خرگوش تو دردرس افتاده! من دارم میام!»

اینگونه صحنه‌ها معنای عقیدتی خطرناکی در ذهن کودک به جای می‌گذارد. این مخلوقی که از آسمان فرو می‌آید دارای توانایی‌هایی فرابشری است. او بدون هیچگونه وسایل حسی صدای کسانی را که از او کمک می‌خواهند می‌شنود. ممکن است اینگونه صحنه‌ها برای به تصویر کشیدن جهانی است غیبی که حس انسان قادر به درک آن نیست که در این صورت هم کوچک شمردن امر آخرت است و هم باعث ریشه‌دار شدن بیشتر شرک می‌شود. همینطور باعث ضعیف شدن عقیده‌ی استعانت از الله در هنگام سختی‌ها.

۲- سر فرو آوردن برای غیر الله:

گاه این حرکت شبیه سجده یا رکوع است. مثلاً در کارتون فوتبال‌یست‌ها در پایان مسابقه بازیکنان دو تیم برای نشان دادن دوستی و صمیمت به همدیگر تعظیم می‌کنند که بسیار شبیه رکوع نماز است. همینطور در کارتون «بر نقابدار» که حرکتی شبیه به سجده انجام می‌دهد.^۱

۳- سخنانی که از نظر عقیدتی اشکال دارد:

مانند «کارم را به تو سپرده‌ام» یا «این از فضل تو هست دوست من». در یکی از همین کارتونها وقتی باران شروع به باریدن کرد، شخصیت داستان خطاب به باران گفت: «وقت بهتری برای باریدن پیدا نکردی؟!». ^۲

۱ - از پژوهش دکتر خالد الحلیبی.

۲ - همان.

محور سوم: استفاده از نشانه‌های دیگر ادیان در برخی فیلم‌های کارتون

در برخی از کارتون‌ها می‌توان نشانه‌های دیگر ادیان را به وضوح مشاهده کرد. گاه راهبی نصرانی را به نمایش می‌گذارند که صلیبی در دست دارد یا برخی از شخصیت‌ها لباس‌هایی پوشیده‌اند که صلیب بر آن کشیده شده، یا مردی قوی و جنگجو را نشان می‌دهند که صلیبی را از زیر لباس خود بیرون می‌آورد و می‌بوسد و به نبرد می‌رود. در برخی از صحنه‌ها قهرمان ماجراجوی داستان به صلیب پناه می‌آورد تا با استفاده از آن موجودات بد را بسوزاند. یا دختری را نشان می‌دهند که برای فراگیری آداب دینی تقاضای پیوستن به کلیسا را دارد.^۱

واضح و مشخص است که خود صلیب به تنهایی نشانه‌ای است در تکذیب قرآن در حالی که الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ﴾ [النساء: ۱۵۷]

«نه وی را کشتند و نه وی را به صلیب کشیدند».

همین‌طور نشانه و سمبلی است برای دینی کفرآمیز و باطل که دین عیسی مسیح علیه السلام نیست، زیرا در حقیقت دین او مانند دیگر پیامبران، همان اسلام بود و عیسی علیه السلام به آمدن پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله بشارت داده و پیروان خود را امر نموده تا از وی پیروی کنند.

به همین خاطر، هنگامی که مسیح علیه السلام در آخر الزمان نازل می‌شود صلیب را می‌شکنند، چنان‌که بت‌ها را. برای همین بود که پیامبر ما صلی الله علیه و آله در خانه‌اش هیچ چیزی را که شکل صلیب بر آن بود نمی‌گذاشت مگر آنکه

ناقصش می‌کرد، چنان‌که در صحیح از ام المومنین عائشه رضی الله عنها روایت است،^۱ زیرا صلیب حکم بت را دارد.

همچنین رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قسم به آنکه جانم به دست اوست، نزدیک است که فرزند مریم به عنوان داوری دادگر و امامی عادل در میان شما فرو آید، پس صلیب را بشکند و خوک را بکشد و جزیه را فرو می‌گذارد (یعنی نمی‌پذیرد) و مال آنقدر زیاد می‌شود که کسی آن را نمی‌پذیرد، تا جایی که یک سجده بهتر از دنیا و مافیها می‌شود».^۲

امام ابن حجر رحمته الله می‌گوید: «در این حدیث آمده که: عیسی در حالی فرو می‌آید که دو لباس با رنگ سرخ ملایم پوشیده، پس صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد و جزیه را فرو می‌گذارد و مردم را به اسلام فرا می‌خواند، و خداوند در دوران او همه‌ی ادیان را جز اسلام نابود می‌کند و در زمین امنیت حاصل می‌شود تا جایی که شیرها با شتران می‌چرند و کودکان با مارها بازی می‌کنند» سپس در پایان می‌گوید: «سپس وفات می‌کند و مسلمانان بر وی نماز می‌گذارند».^۳

همچنین از ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت است که فرمودند: «عیسی فرو می‌آید و خوک را می‌کشد و صلیب را محو می‌کند و نماز برای او یکجا می‌شود و چنان مال عطا می‌کند که کسی آن را نمی‌پذیرد و خراج را فرو می‌گذارد، سپس در روحاء منزل می‌گیرد و از آنجا حج می‌کند یا عمره می‌گذارد یا هر دو را یکجا انجام می‌دهد» سپس ابوهریره رضی الله عنه این آیه را خواند: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾ [النساء: ۱۵۹] (و از

۱ - بخاری (۵۹۵۲).

۲ - بخاری (۳۴۴۸).

۳ - فتح الباری، ابن حجر (۶/۵۶۹).

اهل کتاب کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد) حنظله می‌گوید: ابوهیریه گفت: «پیش از وفات عیسی به او ایمان می‌آورند».^۱

و در حدیث ابوسعید رضی الله عنه آمده، در روز قیامت، هنگامی که منادی ندا می‌زند: هر که چیزی را می‌پرستید در پی آن برود، «اهل صلیب با صلیب خود می‌روند و یاران هر بتی با بت‌های خود می‌روند، و اصحاب هر خدایی با خدایان خود می‌روند».^۲

در پرسشی از کمیسیون دایم فتوا آمده است: «جوانی مسلمان هستم که با صلیب سرخ هلند به عنوان مترجم داوطلب کار می‌کنم و ممکن است در آینده لباس یا کلاهی حاوی علامت صلیب بپوشم... سخن شرع در این باره چیست؟».

پاسخ:

«الحمد لله و درود و سلام بر رسول الله و بر آل و اصحاب وی، اما بعد: پوشیدن لباس مشرکان برای مسلمان جایز نیست، زیرا بخاری در صحیح خود از عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت کرده که به مسلمانان مقیم در سرزمین پارس نوشت: از پوشیدن لباس اهل شرک خودداری کنید».^۳

و مسلم از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت کرده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا دید که دو لباس مُعَصَّر^۱ پوشیده بودم. پس خطاب به من فرمود: «این لباس کافران است؛ آن را مپوش».^۲

۱ - مسند احمد (۲۷/۱۵).

۲ - بخاری (۲۱۵۴).

۳ - بخاری (۱۲۶۵).

ابوبکر خلال روایت می‌کند که حذیفه بن یمان وارد خانه‌ای شد و چیزی از لباس عجم را دید، پس بیرون آمد و گفت: «هر که خود را به قومی شبیه کند از آنان است».^۳

امام احمد بن حنبل رحمته الله می‌گوید: «صرار - که نوعی کفش است که عجم می‌پوشند - را دوست ندارم»؛ و گفت: «این لباس عجم است».

از آنچه گذشت دانسته می‌شود که پوشیدن لباس مشرکان برای مسلمان جایز نیست، چه رسد به این که این لباس حاوی نشانه‌های کفر مانند صلیب باشد که بدون شک در این صورت حرمت آن شدیدتر خواهد بود.

همینطور از ایشان رحمته الله روایت است که دستور به از بین بردن شکل‌های صلیب گونه داده‌اند.^۴

بنابراین لباس‌هایی را که حاوی نشانه‌های کفر است می‌پوش حتی اگر مجبور گردند یا باعث از دست دادن کارت شود». خوب است اینجا فتوای کمیسیون دایم فتوا را درباره‌ی تکفیر کسی که صلیب بپوشد نقل کنم:

پرسش: درباره‌ی مسلمانی که صلیب، نشانه‌ی نصاری را بپوشد دچار اختلاف شده‌ایم. برخی از ما وی را بدون هیچ بحثی کافر دانستیم و برخی دیگر می‌گویند: تا این مساله را با وی مطرح نکرده‌ایم و تحریم آن را برای

۱ - معصفر: لباسی که با عصفر که نوعی گیاه است رنگ شده باشد. این گیاه تقریباً قرمز رنگ است و علت نهی چنان که در این حدیث آمده مشابهت به کافران است زیرا در آن زمان چنین لباسی می‌پوشیدند. (مترجم)

۲ - مسلم (۲۲۴۵).

۳ - به روایت ابوبکر خلال (۱۲۵۷).

۴ - اشاره به حدیث عائشه رضی الله عنها است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه‌اش چیزی را که حاوی صلیب بود نمی‌یافت مگر آنکه از بینش می‌برد» بخاری (۵۹۵۲).

وی توضیح نداده‌ایم که علامت نصاری است، و سپس باز بر پوشیدن آن پافشاری نکرده، تکفیرش نمی‌کنیم.

پاسخ: «الحمدلله و درود و سلام بر رسول الله و بر آل و اصحاب وی. بیان و توضیح اینگونه مسائل واجب است. بنابراین اگر حکم پوشیدن صلیب برای وی توضیح داده شد و اینکه نشانه‌ی نصاری است و دلیلی است بر رضایت او به منتسب شدن به آنان و راضی شدن به عقیده‌ای که بر آن هستند، و باز بر کار خود پافشاری نمود، حکم به کفر او می‌کنیم، زیرا الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^(۵۱)
[المائدة: ۵۱]

«و هر کس از شما که آنان را به دوستی بگیرد پس از آنان است، همانا الله گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند»
و هر جا [در کتاب و سنت] لفظ ستم به طور مطلق بیاید به معنای شرک اکبر است.

همچنین چنین کاری نشان دهنده‌ی موافقت با نصرانیان در ادعای کشته شدن عیسی علیه السلام است در حالی که الله سبحانه و تعالی این ادعا را در کتاب خود باطل دانسته و فرموده است:

﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾ [النساء: ۱۵۷]

«و نه او را کشتند، نه به صلیبش کشیدند، اما قضیه بر آنان مشتبه شد»
توفیق از جانب الله است، و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب وی باد.^۱

محور چهارم: جادو و جادوگری در برخی از فیلم‌ها کارتون

جادو عبارت است از آنچه پنهان باشد و سببش دقیق و نامشخص. به این سبب جادو را جادو می‌گویند که مخفیانه و در آخر شب رخ می‌دهد، چنان‌که در حدیث ابن عمر رضی الله عنهما آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «برخی از انواع بیان سحر است»^۱ زیرا کسانی که قدرت بیان دارند می‌توانند برخی از حقایق را پنهان کنند.

جادوگری کاری است که با آن به شیطان نزدیکی می‌کنند و از وی یاری می‌خواهند. همین‌طور چشم بندی و فریب انسان به طوری که چیزی را بر خلاف حقیقت آن ببیند. اصل سحر نشان دادن یک چیز بر خلاف حقیقت آن است، گویا ساحر - هنگامی که باطل را به صورت حق نشان می‌دهد و یک چیز را بر خلاف حقیقت آن نمایان می‌سازد - آن چیز را از شکل واقعی به چیز دیگری سحر می‌کند، یعنی تبدیل می‌کند.^۲

معانی لغوی «سحر» همه به مخفی‌کاری و دقت و فریب و نشان دادن یک چیز بر خلاف حقیقت آن و مشغول داشتن انسان از دیدن واقعیت و تعلیل و صرف و استماله برمی‌گردد. بر اساس این معانی لغوی می‌توان سحر را در اصطلاح آن شناخت.^۳

سحر همان تعویذها و وردها و گره‌هایی است که در قلب‌ها و بدن‌ها تاثیر می‌گذارد؛

باعث بیماری می‌شود و گاه به کشتن و جدایی میان زن و شوهر منجر می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

۱ - بخاری (۲۱۴۷) و مسلم (۲۴۵۹).

۲ - ابن منظور به نقل از الأزهري در لسان العرب، مخرج «سحر» (۴/ ۳۴۸).

۳ - السحر، حقیقت، انواع، الوقایة منه، استاد راجی الأسمر (۷-۸).

﴿فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ﴾ [البقرة: ۱۰۲]

«پس از آن دو [هاروت و ماروت] چیزهایی یاد می‌گرفتند که میان فرد و همسرش جدایی می‌اندازد»

همین‌طور الله متعال ما را امر کرده که از جادو و جادوگران به او پناه
بریم:

﴿وَمِنْ شَرِّ اللَّفْقَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾ [الفلق: ۴]

«و از شر دمنده‌های در گره‌ها». و آنان زنان جادوگری هستند که در
گره‌های سحر می‌دمنند.^۱

جادوگر و جادویش در ذات خودشان تاثیرگذار نیستند بلکه سحر
هنگامی تاثیر می‌گذارد که اجازه‌ی قَدَری گونی الله متعال به آن تعلق یابد،
اما اجازه‌ی شرعی الله هرگز به آن تعلق نمی‌گیرد، زیرا الله متعال جادو را
حرام کرده و شرعاً به آن اجازه نداده است. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ [البقرة: ۱۰۲]

«و آن‌ها با آن [یعنی سحر] نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر به اذن الله».

حافظ ابن حجر رحمه الله می‌گوید: «سحر یعنی: صرف یک چیز از شکل واقعی
آن. قسطلانی می‌گوید: امری خارق العاده که از نفسی بدخواه صادر شود و
نتوان با آن مقابله کرد و در تاثیری که می‌گذارد نوعی از بیماری‌ها است،
چنان که قرطبی می‌گوید: حقیقت این است که برخی از انواع سحر دارای
تاثیری قلبی است مانند محبت و تنفر و انداختن خیر و شر [در قلب] و در
بدن‌ها مانند درد و بیماری».^۲

۱ - تفسیر ابن کثیر (۴/ ۳۴۵).

۲ - إرشاد الساری (۸/ ۴۰۱).

جصاص می‌گوید: «سحر هر امری است که سببش مخفی باشد و بر غیر حقیقش به نظر برسد و بر سبیل تمویه و فریب باشد».^۱

علم جادوگری، علمی است که بر اساس آن مهارتی نفسانی کسب شود که شخص بتواند بر اساس آن کارهای عجیب را بر اساس اسبابی پنهان انجام دهد، چنان‌که صاحب کتاب کشف اصطلاحات الفنون می‌گوید:^۲

در اصطلاح نمی‌توان سحر را دارای مرزی جامع و مانع دانست، چرا که انواع آن بسیار متفاوت است و نمی‌توان قدر مشترکی را میان همه‌ی آنان پیدا کرد، به همین سبب تعریف علما درباره‌ی تعیین حد مشخصی برای آن اختلافی شدید دارد.^۳

اما در برخی برنامه‌های کودکان، جادو را طوری به تصویر می‌کشند که انگار حکم آن بر اساس هدف کسی که از آن استفاده می‌کند متفاوت است. مثلاً مرد یا زنی جادوگر را به تصویر می‌کشند که آکنده از شر و بدی و تنفر و حسادت است و با استفاده از سحر به اهداف شخصی خود می‌رسند. چنان‌که در کارتون «اسمورفا»^۴ در شخصیت بد داستان شرشیل (Gargamel) می‌توان دید.

و گاه جادوگر را طوری به تصویر می‌کشند که گویا مردی نیک و خیرخواه انسان‌ها است و به ستمدیدگان کمک می‌کند، چنان‌که در همین کارتون اسمورفا در شخصیت بابا سمفور که رهبر اسمورفا است می‌توان

۱ - أحکام القرآن (۱/ ۵۱).

۲ - أبجد العلوم، صدیق بن حسن قنوجی (۲/ ۳۱۸). نگا: کشف اصطلاحات الفنون، تهانوی (۲/ ۲۲۴).

۳ - محمد امین الشنقیطی در أضواء البیان (۱/ ۲۱۲).

۴ - محصول بلژیک. در کشورهای عربی با نام «سنافر» پخش می‌شد. (مترجم).

دید. یا در کارتون معروف «سیندرلا» که در آن زن جادوگر مهربانی به سیندرلا کمک می‌کند تا در جشن پادشاه و رقص آن‌ها شرکت کند!^۱ یا جمله‌ای که در یکی از کارتون‌ها گفته می‌شود: «چراغ جادو را به دست می‌آورم و قدرتمندترین جادوگر دنیا خواهم شد!» دیدن چنین برنامه‌هایی باعث می‌شود قضیه‌ی جادو و جادوگری برای کودکان ما بسیار ساده و پیش پا افتاده جلوه کند و نتیجه‌ی آن را می‌توان در کودکان این دوران مشاهده کرد.

محور پنجم: جرات برخی از کارتون‌ها در تمسخر عقیده‌ی ایمان به آخرت

الله سبحانه و تعالی ایمان به آخرت را یکی از ارکان ایمان قرار داده و صحت ایمان بنده را به آن منوط ساخته و در قرآن در نوزده مورد ایمان به خود را همراه با ایمان به آخرت ذکر کرده، از جمله:

﴿وَلَكِنَّ الْإِيمَانَ مِنَ عَمَلٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقرة: ۱۷۷]

«بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشد»

و درباره‌ی زنان مطلقه می‌فرماید: ﴿إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقرة: ۲۲۸]

«اگر به الله و روز آخرت ایمان دارند»

همچنین خطاب به اولیای زنان می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقرة: ۲۳۲]

«هر یک از شما که به الله و روز بازپسین ایمان دارد به این [دستورات] پند داده می‌شود».

همچنین الله متعال، مومنان را چنین توصیف می‌کند که به الله و روز بازپسین ایمان دارند. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰلِحِينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقرة: ۶۲]

«همانا کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شده‌اند و نصرانیان و صابئان، هر کس که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشد...».

و در مقابل برای کسانی که به آن روز کفر ورزند همان نتیجه‌ای را قرار داده که برای کافران به خود در نظر گرفته و فرموده است:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلَٰئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۳۶]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و پیامبرش و کتابی که بر فرستاده‌اش نازل کرده و کتاب [هایی] که پیش‌تر نازل نموده ایمان بیاورید، و هر کس که به الله و فرشتگانش و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز باز پسین کفر ورزد بی‌شک دچار گمراهی دور و درازی شده است».

الله متعال تاکید می‌کند که این روز بی‌شک فرا خواهد رسید و انسان هر چه تلاش کند راه فراری از آن ندارد:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۲۵]

«پس چگونه خواهد بود [حالشان] آنگاه که آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست گرد آوریم و به هر کس [پاداش] دستاوردش به طور کامل داده شود و به آنان ستم نشود»

و می‌فرماید: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعََنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ [النساء: ۸۷]

«الله که معبودی به حق جز او نیست، بی‌شک شما را در روز قیامت که تردیدی در [فرا رسیدن] آن نیست یکجا خواهد کرد، و چه کسی از الله راست‌گفتارتر است؟»

حکمت الله متعال چنین است که آن روز را قرار دهد تا مردم را در یک صحرا جمع کند و نیکوکار را برای نیکی‌اش پاداش دهد و بدکار را برای بدی‌اش مجازات کند و از مظلوم برای ظالم قصاص گیرد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [غافر: ۱۷]

«امروز هر کس بر اساس دستاورد خود پاداش داده خواهد شد، امروز ستمی نیست؛ همانا الله زود شمار است».

همچنین رسول خدا ﷺ درباره‌ی دقت حساب در روز قیامت می‌فرماید: «تا جایی که برای گوسفند بی‌شاخ از گوسفند شاخدار قصاص گرفته می‌شود».^۱

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «ایمان آن است که به الله و ملائکه و کتاب‌های او و پیامبرانش و روز بازپسین باور داشته باشی».^۲

مقتضای ایمان به آخرت، مومن را ملزم می‌کند که یقین داشته باشد الله سبحانه و تعالی همه‌ی مردم را در روزی که شکی در آن نیست یکجا خواهد کرد. این اندازه از ایمان بر هر مومنی واجب است، اما تفصیل آن از جمله شناخت نشانه‌های این روز و مقدمات آن و اینکه در آن چه رخ خواهد داد، و

۱ - مسلم (۲۲۵۶).

۲ - مسلم (۱۵۲۴).

شناخت احوال بهشت و دوزخ و ملائکه‌ی رحمت و ملائکه‌ی عذاب و دیگر تفصیل بر تک تک مومنان واجب نیست و کافی است گروهی از مومنان آن را بدانند، یعنی از فروض کفایی است که اگر گروهی آن را بدانند از دیگران ساقط می‌شود.

حال اگر این را بدانند و به آن معتقد باشد که آن روز بدون هیچ شکی خواهد آمد، باید خود را برای آن آماده کند و توشه‌ی لازم را برای آن برگیرد و همه‌ی تلاشش را برای انجام نیکی‌ها و دوری از بدی‌ها انجام دهد، چنان که الله متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۖ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۖ﴾ [الزلزلة: ۷-۸]

«پس هر که [به اندازه‌ی] مثقال ذره‌ای نیکی انجام دهد [پاداش] آن را خواهد دید (۷) و هر که [به اندازه‌ی] مثقال ذره‌ای بدی انجام دهد [جزای] آن را خواهد دید».

در بعضی از فیلم‌های کارتون احوال روز قیامت به تمسخر گرفته می‌شود. از جمله در یکی از قسمت‌های مجموعه کارتون‌های تام و جری که به درگیری همیشگی گربه‌ای به نام تام با موشی به نام جری می‌پردازد خواهیم دید که برخی از قسمت‌های آن خالی از اشکالات عقیدتی نیست. در یکی از قسمت‌های این مجموعه که متأسفانه در بسیاری از کانال‌های عربی نیز پخش شد داستانی به نمایش گذاشته شد که به طور مختصر بخش‌هایی از آن را با تصاویر نقل می‌کنم:

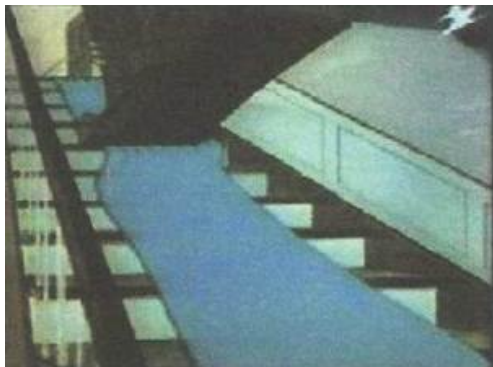
در آغاز داستان تام به روی جری چاقو می‌کشد



جری از دست تام فرار می‌کند و از پله‌ها بالا می‌رود. اما تام فرش روی پله را می‌کشد تا جلوی او را بگیرد



اما اتفاقی غیر منتظره رخ می‌دهد و پیانو از بالایی پله سر می‌خورد و روی
تام می‌افتد!



پیانو روی تام می‌افتد و او می‌میرد



ناگهان پله‌ای طلایی از آسمان پایین می‌آید و روح تام از آن بالا می‌رود



روح به آسمان می‌رود...



وقتی تام به آسمان می‌رسد دیوارهای بهشت را می‌بیند و گربه‌هایی را که در بهشت در حال لذت بردن هستند و آرزو می‌کند او نیز از آنان باشد. اما با دیدن گربه‌ای که کهنسال که کتاب اعمال تام دست اوست غافلگیر می‌شود. گربه‌ی کهنسال شروع به محاسبه‌ی اعمال او می‌کند... این گربه‌ی پیر کیست و منظورشان از چنین شخصیتی چه کسی می‌تواند باشد؟



گربه‌ی پیر کتاب اعمال تام را بررسی می‌کند و متوجه می‌شود گناهان و کارهای بد او بیشتر از نیکی‌هایش است. اما دلش برای تام می‌سوزد و به او یک فرصت دیگر می‌دهد که تنها برای شصت دقیقه به زندگی دنیا برگردد و برگه‌ای به تام می‌دهد که شرط نجات او بر آن نوشته شده:



مضمون نامه چنین است:

باید از جری عذرخواهی کند و رفتار خوبی با او داشته باشد و همینطور یک گواهی نامه‌ی امضا شده از جری بیاورد که ثابت کند تام را بخشیده است



اما اگر نتوانست سند بخشش جری را بیاورد وارد جهنم خواهد شد! اینجاست که تام، جهنم و نگهبان آن را می‌بیند که همان سگ بدجنس است! این سگ نماد چه کسی است؟



تام با این شرط موافقت می‌کند؛ سپس روح او به صورت دودی سفید رنگ به بدنش باز می‌گردد و دوباره زنده می‌شود. الان باید به دست و پای

جری بیفتد تا عذرخواهی او را بپذیرد و نامه‌ی بخشش را امضا کند! اما
جری نمی‌پذیرد!



دقایق به سرعت در حال سپری شدن هستند اما جری عذرخواهی تام را قبول نمی‌کند... ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ دقایق پایانی هم می‌گذرد... تام التماس می‌کند و جری نمی‌پذیرد...



وقت تام تمام می‌شود... دری از سوی جهنم گشوده می‌شود و تام که نتوانسته موافقت جری را به دست بیاورد به جهنم سقوط می‌کند



ناگهان تام از خواب بیدار می‌شود و متوجه می‌شود داشته خواب می‌دیده و همه‌ی چیزهایی که دیده از جمله مرگ و حساب و کتاب و وارد شدن به آتش، چیزی نبوده جز خوابی آشفته!^۱

همه‌ی این داستان تمسخر آخرت و کوچک شمردن امر آن است و اگر کودک در آغاز سن تمییز چنین چیزهایی را ببیند تا وقتی زنده است این تصویر تمسخرآمیز از آخرت در ذهن او جای خواهد گرفت، چنان‌که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «هر نوزادی بر فطرت به دنیا می‌آید، اما این پدر و مادر او هستند که وی را یهودی یا نصرانی یا مجوسی بار می‌آورند؛ مانند حیوانی که بچه به دنیا می‌آورد، آیا بچه‌ی گوش بریده به دنیا می‌آورد؟»^۲.

این نوعی از هجوم فکری عقیدتی است که عقل کودکان را بدون آنکه احساس کنند هدف قرار می‌دهد. نمایش چنین برنامه‌هایی و اجازه دادن به

۱ - شکی در این نیست که کسانی که اینگونه برنامه‌ها را برای فرزندان مسلمانان پخش می‌کنند در دنیا مسئولند و در آخرت نیز مورد پرسش قرار خواهند گرفت و لازم است درباره‌ی اینگونه فیلم‌ها و چنین جراتی علیه دین و تمسخر پروردگار، واکنش نشان دهیم.

۲ - بخاری (۱۳۸۵).

کودکان برای دنبال کردن آن، کودکانی را به بار خواهد آورد که پروردگار ﷻ را کوچک می‌شمارند و به آخرت ایمان نمی‌آورند.^۱

همین‌طور فیلم کارتونی ژاپنی «anime» که ابزاری است برای نشر آیین بودا و شینتو، و این از خلال شخصیت‌هایی انجام می‌شود که نمایانگر خدایان شینتو است، مانند شخصیتی به نام «Gaara». وی جوانی است که با توانایی‌های خود عاشق کشت و کشتار و خون‌ریزی است.

البته نباید فراموش کرد که در سال‌های اخیر الحمدلله با پیشرفت فعالیت رسانه‌ای اسلامی و پیدایش تعداد بسیاری از کانال‌های مذهبی، تعداد قابل توجهی از فیلم‌های کارتون که از نظر اخلاقی و فکری بدون اشکال هستند تولید شده و حتی کانال‌هایی متخصص برای کودکان تاسیس شده که از اندیشه‌ای روشن برخوردارند و بدون نمایش محتوای مبتذل و بر اساس اندیشه‌ای تربیتی و با پیشینه‌ی پژوهشی روانشناسی کودک به نمایش محتوا می‌پردازند.

اما متأسفانه کانال‌هایی که محتوای نامناسب پخش می‌کنند - از جمله مواردی که به آن اشاره کردیم، همچنان با اشتباهات و فساد خود موجودند.^۲

در ادامه به تفصیل درباره‌ی حکم اینگونه شبکه‌های فاسد و روش‌های واکسینه کردن فرزندان در برابر آن، سخن خواهیم گفت.

۱ - شرح عقیده‌ی سفارینیة، ابن عثیمین (۲۱-۲۲).

۲ - برای نمونه کانال کودکان ام بی سی (۳mbc) و spacetoon.

فصل سوم: درمان

مبحث اول:

حکم این فیلم‌ها

پیش‌تر به بیان نمونه‌هایی از اشکالات شرعی و عقیدتی برخی از فیلم‌های کارتون پرداختیم. اکنون در باره‌ی حکم این گونه فیلم‌ها به طور کلی و حکم تماشای آن، آرای برخی از اهل علم را بیان خواهیم کرد، سپس به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

در پرسشی که به کمیسیون دایمی فتوا ارسال شده آمده است: حکم مشاهده و خرید فیلم‌های کارتون اسلامی کودکان که داستان‌هایی هدفدار و سودمند مانند نیکی به پدر و مادر و راستی و امانت‌داری و اهمیت نماز را به نمایش می‌گذارند، چیست؟ منظور ما این است که این فیلم‌ها را جایگزین شبکه‌های تلویزیونی که فراگیر شده‌اند کنیم. اما مشکل اینجاست که این فیلم‌های کارتون تصاویر انسان‌ها و حیوانات را که با دست کشیده شده به نمایش می‌گذارد. در این صورت آیا مشاهده آن جایز است؟

پاسخ: خرید و فروش و استفاده از فیلم‌های کارتون به علت وجود تصاویر حرام، جایز نیست، و تربیت کودکان باید از روش‌های شرعی آموزشی و پرورشی و امر به نماز و به نیکی انجام شود.^۱

از شیخ ابن عثیمین پرسیده شد: حکم تصاویر کارتونی که از تلویزیون پخش می‌شود چیست؟

پاسخ: «تصاویر کارتونی که گفتید از تلویزیون نمایش داده می‌شود اگر به شکل انسان باشد درباره‌ی حکم نگاه کردن آن تردید است که آیا به تصاویر

واقعی ملحق می‌شود یا نه؟ و نزدیک‌تر این است که ملحق نمی‌شود. و اگر به شکلی غیر از انسان باشد و منکر دیگری مانند موسیقی همراه آن نباشد و انسان را از انجام واجب باز ندارد، دیدن آن اشکالی ندارد».^۱

در پاسخ به پرسشی دیگر ایشان می‌گوید:

پرسش: جناب شیخ؛ اخیرا کارتون‌هایی تولید می‌شود که می‌گویند اسلامی هست. مثلا فتح قسطنطنیه را به تصویر می‌کشند. اخیرا نیز داستان نوجوانی که در سوره‌ی بروج نقل شده و در صحیح مسلم آمده را به تصویر کشیده‌اند و آن را به عنوان جایگزین فیلم‌های نامناسب کارتون مطرح می‌کنند. حکم این کارتون‌ها چیست؟

پاسخ: به نظرم ان شاءالله اشکالی نداشته باشد؛ چون واقعیت - چنان‌که شما گفتید - این است که این کارتون‌ها کودکان را از چیزهای حرام دور می‌کند، چون کم‌ترین چیزی که می‌توان درباره‌ی این کارتون‌ها گفت - اگر لازم باشد سخت بگیریم - این است که مساله‌ی آن از دیگر فیلم‌های کارتون آسان‌تر است، یعنی آن فیلم‌ها چنان‌که شنیده‌ایم در عقیده ایجاد شک می‌کند و العیاذ بالله پروردگار عز و جل را به تصویر می‌کشد یا مانند این؛ در هر صورت در آن اشکالی نمی‌بینم.

شخص پرسشگر: از این جهت که این کارتون‌ها را با دست می‌کشند آیا حکم تصویرگری به آن تعلق نمی‌یابد؟

شیخ: درباره‌ی کسی که این را کشیده اگر هم گناهی باشد متوجه خودش هست، اما ما تنها چیزی را می‌بینیم که نوشته شده و به پایان رسیده. از جهت دیگر هم این تصاویر را به شکل انسان نمی‌کشند.

پرسشگر: به شکل انسان می‌کشند! انسان عادی... ریش دارند، عمامه دارند و همه چیز [مثل ما] حکمش چیست؟

شیخ: اگر به کسی از فرماندهان این فتوحات چیزی را که نگفته نسبت ندهند، چون این مشکل دارد. اما اگر جز خوبی چیزی در آن نباشد ان شاء الله اشکالی ندارد.

اما اگر همراه با موسیقی باشد جایز نیست، زیرا موسیقی حرام است.^۱
فتوای دیگری از ایشان:

پرسش: جناب شیخ، نظر شما درباره‌ی فیلم‌های ویدیویی که حاوی کارتون‌هایی مانند داستان پیامبران و سخنرانی برخی از مشایخ است، چیست؟

پاسخ: سخنرانی اشکالی ندارد، زیرا حاوی مصلحت است و همچنین این فیلم‌ها حاوی آن تصویرگری نیست که درباره‌اش هشدار وارد شده، زیرا تصاویر آن در خود فیلم است و نمی‌توان آن را [به صورت جدا از فیلم] مشاهده کرد. اما به تصویر کشیدن پیامبران جایز نیست، نه در ویدیو و نه بر روی کاغذ، زیرا آنان گرمی‌تر از این هستند که تصاویرشان را در برابر مردم به ابتذال کشاند.

پرسشگر: فیلم‌های کارتون چگونه؟

شیخ: فیلم‌های کارتون بیشتر امید هست [که اشکالی نداشته باشد]، چون کارتون آنطور که ما می‌دانیم تصویر [انسان و حیوان] را تغییر می‌دهد، اما چیزی که حقیقی باشد جایز نیست.

پرسشگر: کارتون‌هایی که درباره‌ی داستان‌های قرآن ساخته شده، مثلاً داستان اصحاب اخدود چگونه؟

۱ - بقاء باب المفتوح، ابن عثیمین (۱۳/۷).

شیخ: این هم اشتباه است. چه کسی به آن‌ها گفته اصحاب اخدود این شکلی بوده‌اند؟ مخلوقات از زمان آدم تا این امت در حال کوچک شدن هستند. بلندی مردم پیش از این شصت گز و عرضشان هفت گز بوده، سپس مردم کم کم [در طی نسل‌ها] کوچک شده‌اند تا به این امت رسیده‌اند که می‌بینید. بنابراین نظر من این است که نشان دادن چیزی که انسان در مورد آن آگاهی ندارد جایز نیست.

پرسشگر: برخی می‌گویند [این کارتون‌ها] برای ترسیخ عقیده در ذهن کودکان است.

شیخ: شما خود الان داستان اصحاب اخدود را نمی‌دانید؟

پرسشگر: بله!

شیخ: با استفاده از این کارتون‌ها این [داستان] را دانسته‌ای؟

پرسشگر: نه!

شیخ: پس تمام! همینطور که شما [این داستان را] دانسته‌ای دیگران نیز بدون این چیزها، آن را خواهند دانست. در ضمن چه کسی قرار است این داستان را به تصویر بکشد؟ شاید انسانی باشد که چیزی درباره‌ی این داستان نمی‌داند اما با خود گفته: این تصویر آنان است.

پرسشگر: داستان [در شکل کارتون] به صورت چیزهایی است تصویری که قابل فهم است.

شیخ: در کل، نظر من این است که هر چه متعلق به داستان‌های قرآن است به تصویر کشاندن آن جایز نیست و نمایش آن برای کودکان نیز جایز نیست. حتی در مورد نمایش داستان محمد فاتح هم ته دلم چیزی است. وقتی جز داستان این شخص برای کودکان چیز دیگری نمایش داده نمی‌شود فکر می‌کنند ایشان تنها قهرمان اسلام است و قهرمان دیگری جز

او نیست که این صحیح نیست زیرا اسلام قهرمانانی دارد که فاتح به زانوی آنان هم نمی‌رسد.^۱

در فتوایی که زیر نظر گروهی از علما در مرکز فتوای سایت «اسلام وب» منتشر شده، آمده است:

«درباره‌ی آنچه فیلم‌های پویانمایی یا کارتون نامیده می‌شود و همینطور فیلم‌های تصویربرداری شده با دوربین فیلم‌برداری و آنچه از صحنه‌ی تئاتر و نمایشنامه‌ها فیلم‌برداری می‌شود و عده‌ای به عنوان هنرپیشه در آن به ایفای نقش می‌پردازند و مسائل مربوط به آن از جمله تهیه و مسائل تجاری و تماشای آن... اهل علم نگاه متفاوتی دارند و اجتهاداتشان در این باره متفاوت است، گروهی آن را مجاز دانسته و گروهی دیگر جایز ندانسته‌اند. شاید مفید باشد تعدادی از محذورات و اشکالاتی که ممکن است در برخی از فیلم‌ها وجود داشته باشد را بیان کنیم:

نخست: اینکه مضمون فیلم از نظر شریعت اسلامی دچار مشکل باشد؛ مثلاً حاوی مسائلی باشد در تناقض با اصول اسلام و عبادات و اخلاق و آداب اسلامی، از جمله در تحقیر یا تخطئه‌ی آن یا زیبا جلوه دادن آنچه مخالف اسلام است و برتر دانستن آن با گفتار یا کردار یا عملکرد؛ مانند به تصویر کشاندن شخصیت پیامبران.

دوم: اینکه زنان بدون حجاب یا با رفتاری سبک در آن حضور داشته باشند یا نقشی را ایفا کنند که مناسب آنان نیست.

سوم: اینکه شامل موسیقی واضح باشد به طوری که همراه با فیلم [در متن آن] باشد و بیننده نتواند آن را حذف یا لغو کند.

۱ - لقاء الباب المفتوح، ابن عثیمین (۱۷/ ۲۲).

این اشکالات بر اساس قول صحیح اهل علم حداقل حرام هستند، زیرا نصوص بسیاری در تحریم هر یک از آن وارد شده و باعث فساد اعتقاد و از بین رفتن اخلاق و شکستن دیوار حیا و عادی شدن حرام و مشغول شدن مردم به باطل و از بین رفتن اموال می‌شود...

بر این اساس، هر فیلمی که حاوی یکی از این اشکالات شرعی باشد حرام است، زیرا تهیه و فروش و تماشای آن تعاون در راه گناه و تجاوزگری است و خشنودی به منکر و اعتراف به آن و فریب خود و خانواده و عموم مسلمانان است.

در کنار این اشکالات شرعی، دو مساله هست که این فیلم‌ها خالی از آن نیست: تصویرگری و نقش آفرینی.

تصویرگری در فیلم‌های کارتون شدیدتر از فیلم‌های عادی است، زیرا تصاویر آن نقاشی شده است نه فیلمی که از واقعیت گرفته شده.

نقش آفرینی نیز در فیلم‌های گرفته شده با دوربین نمایان‌تر از فیلم‌های کارتون است، زیرا نقش آفرینان واقعی هستند نه تصاویر متحرک.

هر دو مساله‌ی تصویرگری و نقش آفرینی خالی از مساله نیستند و اجتهاد اهل علم درباره‌ی آن گوناگون است... برخی آن را به سبب نصوصی که وارد شده به کلی جایز ندانسته‌اند که این نصوص درباره‌ی تصویرگری صریح‌تر از نقش آفرینی است.

نقش آفرینی و هنرپیشگی را نیز با نگاه به واقعیت امر و حال کسانی که در آن فعالند و فساد اخلاق و خانواده‌ها - به جز در موارد اندک - که این موارد استثنایی نزد آنان حکمی ندارد، به طور کلی جایز ندانسته‌اند.

اینجا مجال شرح و بسط و استدلال نیست؛ چرا که سخن درباره‌ی تصویرگری بسیار است و همین‌طور درباره‌ی هنرپیشگی، مهم آن بخش است که به پاسخ ما مربوط است. بنابراین می‌گوییم:

با استناد به رای گروهی از علما بر جایز دانستن عکس فوتوگرافی برای نیاز، ما - با نگاه به واقع - می‌گوییم: ایجاد جایگزین‌هایی هدفدار که عناصر موفقیت را در خود دارد و قادر به رقابت در جهانی است که در آن خانواده‌ها و کودکان تبدیل به دانش آموزانی شده‌اند در برابر تلویزیون و فیلم‌های ویدیویی و صفحات اینترنت... در این شرایط می‌گوییم تولید محتوای تلویزیونی نیازی است ضروری و مصلحتی است راجح که در راه آن اشکالات شرعی ممکن که تنها با نگاه جزئی دیده می‌شود قابل چشم پوشی است. به چند علت:

نخست: فراگیری فیلم‌ها و گسترش انواع تولیدات تلویزیونی در میان عموم طبقات جامعه. واضح است غالب آنچه توسط مردم تماشا می‌شود - اگر نگوییم همه‌ی آن - با آداب اسلامی هماهنگ نیست و بلکه به طور کلی یا جزئی از راه و روش اسلام خارج است. بنابراین حکمت نیست که همه‌ی این مردم را به سادگی به این فیلم‌های ویرانگر بسپاریم آن هم مثلاً به حجت حرام بودن فیلم‌برداری یا بازیگری، در حالی که برخی از انواع عکس‌برداری را برای مدارک رسمی، و همینطور برخی از انواع بازیگری را برای آموزش، جایز دانسته‌ایم. در حالی که این مساله برای استثنا شدن خطرناک‌تر و مهم‌تر است.

دوم: از نظر شرعی این را موجه نمی‌دانیم که مردم را برای تنبیه اینکه تلویزیون و دیش ماهواره را وارد خانه‌های خود کرده‌اند رها کنیم و آنان را با شیاطین جن و انس تنها بگذاریم تا عقاید و اخلاق و ناموس آنان را به بازی بگیرند، و خودمان دست بسته گوشه‌ای بنشینیم و بدون آنکه کاری کنیم تنها مجازات خداوندی و آثار بد این رسانه‌ها را به یاد آنان بیاوریم. این هرچند ضروری است، اما کافی نیست و تجربه ثابت کرده باعث دور شدن مردم از باطل نمی‌شود. بلکه حتماً باید کاری ایجابی نیز انجام داد، و همراه

با دعوت و بیان هشدار، جایگزینی قانع کننده یافت و با سلاح خود باطل به جنگ آن رفت. زیرا در غیر این صورت ما همه‌ی توان خود را در راه نصیحت انجام نداده‌ایم و با آنچه قواعد شریعت و مقاصد آن ایجاب می‌کند راه نیامده‌ایم.

سوم: با اعتراف به وجود برخی محذورات شرعی که این نوع کار رسانه‌ای از آن خالی نیست، به نظر ما فعالیت رسانه‌ای متقابل، نقش مهمی در کم کردن شر و جلوگیری از آن ایفا می‌کند و کم کردن بدی و تخفیف آن امری است که شارع آن را معتبر دانسته و این به معنای اصلی است که ارتکاب خفیف‌ترین زیان و دفع ضرر بزرگتر را مصلحتی شرعی می‌داند. شریعت نیز برای تحصیل مصلحت و تکمیل آن و دفع مفسده و کم کردن آن آمده.

همینطور یقین داریم که اگر عملاً امکان داشت تنها با هشدار فساد را دفع کرد، هرگز این جایگزین‌ها را به صرف تفریح و سرگرمی جایز نمی‌دانستیم، اما واقعیت امر چیز دیگری است.

چهارم: فیلم‌هایی که حاوی تصاویر زنان بی‌حجاب و موسیقی نیستند و در مضمون و کارگردانی خود داری هدفی نیک‌اند، مانند آموزش و تصحیح مفاهیم و یادآوری وقایع تاریخی و بزرگداشت شخصیت‌های مشهور اسلام و دیگر معانی و اهداف صحیح، تاثیری نیک بر روی کودکان و نوجوانان و دیگر بینندگان به جای می‌گذارند. آن هم در دورانی که الگوهای نیک - به جز موارد نادر - از رسانه‌ها ناپدید شده و دلقک‌ها و خواننده‌ها و بازیگران مرد و زن تبدیل به مشاهیر و الگوهای مردم شده‌اند!

پنجم: ایجاد جایگزین مناسب از یک جهت بخشی است از اقامه‌ی حجت بر مدیران کانال‌های فضایی و شبکه‌های تلویزیونی و فروشندگان فیلم‌ها و همچنین بر بینندگان و مصرف کنندگان این محصولات. کسانی که

فیلم‌های نامناسب را وارد خانواده‌ها کرده‌اند و هر گاه به آنان تذکر داده شود می‌گویند: جز این محصولات چیز دیگری موجود نیست!

با وجود اینکه قبول داریم چنین منطقی اصولاً صحیح نیست، اما باری دیگر می‌گوییم: کافی نیست که این منطق اشتباه نقطه‌ی فاصله‌ای باشد میان ما و آن‌ها، چرا که همه‌ی ما در آتش ویرانی و مجازات خداوندی و آشوب و بی‌بند و باری اخلاقی این رسانه‌ها خواهیم سوخت.

از سوی دیگر وظیفه‌ی ماست که در برابر مردم مانند پزشک باشیم و سعی کنیم تا حد امکان اسباب بیماری را از بیمار دور کنیم و تا جایی که می‌توانیم اسباب مرگ را به تأخیر بیندازیم.

ششم: حمایت جوامع اسلامی از عوامل انحراف و فساد در درجه‌ی نخست وظیفه‌ی حاکمان و حکومت‌ها است، زیرا آنان قدرت جلوگیری را دارند و می‌توانند جایگزین‌های مناسب را تشویق کنند.

پس از آنان علما و اهل اصلاح قرار می‌گیرند که می‌توانند با دعوت و ارائه‌ی حجت و تلاش فراوان مردم را به مقاومت در برابر فساد و اسباب آن تشویق کنند. از جمله تشویق صاحبان سرمایه و متخصصان به همکاری و هم‌اندیشی برای ایجاد جایگزین مناسب رسانه‌ای و ارائه‌ی بستر مناسب برای آن، از جمله:

پژوهش جنبه‌های گوناگون این مساله و نگاه در منافع کلی و مقاصد شرعی با استفاده از نصوص کتاب و سنت و تشویق فعالان این زمینه و تصحیح مسیر آنان.

اما اگر همه درباره‌ی امانت خود کوتاهی کنند و از مسئولیت‌های خود شانه خالی کنند چه سرنوشت نامعلومی در انتظار جوامعی خواهد بود که از خیرخواهی و نصیحت محروم بوده‌اند؟

قابل قبول نیست که از حمایت جامعه‌ی اسلامی در برابر عوامل رذیلت و انحراف اینطور ناتوان بایستیم و سپس دیدمان را محدود کنیم یا از فراهم کردن راه‌هایی کم خطرتر برای رفع حرج از مردم و اصلاح مرحله به مرحله‌ی آنان سر باز زنیم.

هفتم: تغییر ابزارهای ارتباط و نوع زندگی و روش‌های تاثیرگذاری بر مردم حقیقتی است موجود که نمی‌توان با عدم تعامل آن را نادیده گرفت یا از آن گذشت. آنچه از ما مسلمانان انتظار می‌رود این است که با اسلام در دوران خود زندگی کنیم و با هر مورد جدیدی بر اساسی که مناسب طبیعت و شرایط آن است رفتار کنیم و به قدرت رسانه‌ای و فرهنگی دشمنان اسلام اعتراف داشته باشیم و بدانیم که ابزار مسلمانان در برابر این هجوم بسیار ضعیف است و در نبردی نابرابر گرفتار شده‌ایم. حال که قبول داریم صلح مرحله‌ای با دشمن در دوران ضعف جایز است تا بتوانیم اسباب قدرت و مقاومت را به دست بیاوریم، اکنون نیز در نبردی هستیم که [با این شرایط] نمی‌توان حتی در آن به صلح با دشمن راضی شد بلکه باید بدون شرط تسلیم آنان شد.

در این حالت آیا بهتر نیست - با ضوابطی که ویژگی اسلامی ما را مراعات کند - مجال را برای فیلم‌های هدفمند باز کنیم تا در این صورت به برابری با دشمن برسیم یا حداقل به آنان نزدیک شویم؟ آیا این به حکمت و مقاصد شریعت نزدیکتر نیست از این که در را بر روی کسانی که نیت‌های پاک دارند و قصد پر کردن این خلا را دارند ببندیم؟ تا در نتیجه به این حجت که آنان کافر هستند و دینشان همان هوا و هوششان است و ما مسلمانییم و دارای ارزش‌های خود هستیم، اجازه‌ی حضور رسانه‌هایی را بدهیم که بسیار بدتر هستند؟ چگونه با این بهانه اجازه داده‌ایم زباله‌های اندیشه‌های آنان را

دریافت کنیم اما تلاش نکرده‌ایم - بر اساس موازین خودمان - وسایلی را برای مقاومت آنان ابداع نماییم؟

اگر در برابر این هجوم رسانه‌ای خودمان را به علت ناتوانی از مقابله با منکر معذور دانسته‌ایم، برای رویارویی آن با هر وسیله‌ای که زیان کمتری داشته باشد، عذری نداریم. این مقتضای عقل و عین مقاصد شریعت است. اینجا باید میان کسانی که دعوت به کوتاه آمدن از ثوابت می‌کنند و می‌خواهند برای همراهی با دشمنان اسلام و به خاطر خود حرام وارد آن شوند، و میان کسانی تفاوت قائل شد که از ترس شرایط دردناک کنونی و برای ایجاد جایگزینی کم زیان‌تر و بدون زیاده‌روی و با دوری از وقوع در گناه، با استفاده از فتوای جوازِ برخی از اهل علم مورد اعتماد، رو به آن آورده‌اند.

همین‌طور باید در مورد منکراتی که میان مردم گسترش یافته تفاوت قائل بود. مثلاً منکراتی که برای دوری مردم از آن باید جدیت به خرج داد چنان‌که عمر رضی الله عنه هنگامی که نوشیدن خمر میان مردم گسترش یافت حد آن را هشتاد ضربه شلاق تعیین کرد و صحابه نیز در این مورد با وی موافقت نمودند.^۱

و مواردی که برای دوری مردم از یک منکر، مقتضای حکمت، برخورد با نرمش است و اینکه قسمتی از آنچه را می‌خواهند به آنان بدهیم تا از رفتن به سوی چیزی که بدتر است خودداری کنند و این کاری بود که عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه برای بازگرداندن مردم به دوران نخست - که از آن دور شده بودند - انجام داد، به طوری که بخشی از خوشی‌های دنیا را در اختیار آنان

۱ - نگا: منهاج السنة النبویة، ابن تمیة (۸۴/۶) و فتح الباری، ابن حجر (۷۱/۱۲).

می گذاشت تا بلکه همراه با آن قسمتی از رهنمودهای وی را در امر دین بپذیرند.^۱

بی شک آنچه ما در صدد آن هستیم، از جنس مورد دوم است. بر مبنای این اسباب چنین به نظر می آید که بر اساس آسان گیری بر مردم و اصلاح بر حسب امکان و به هدف کم کردن شر و جلوگیری از آن و اقامه ی حجت برای مردم برای ترک آنچه شر بیشتری دارد، و برای مراعات اختلاف مردم در روش آموزش و تلقی، و مورد خطاب قرار دادن آنان با زبانی که تاثیر بیشتری دارد، تولید فیلم ها و انیمیشن های هدفدار و ارزشی به صواب نزدیک تر باشد. و بر این اساس، اندک اشکالات شرعی که در این راه پیش می آید به اشکالات شرعی بزرگی که در صورت خالی کردن عرصه رخ خواهد داد نمی رسد و با مصلحت بزرگی که امیدش هست قابل چشم پوشی است. البته اهل علم و متخصصان این عرصه باید به طور دائم در جستجوی وسایلی باشد که با کمترین مشکل شرعی هدف مورد نظر را برآورده سازد. و الله اعلم.^۲

به طور کلی هیچ مسلمانی درباره ی تحریم تولید یا پخش یا تماشای فیلم های کارتونی که شامل شرک یا توهین به دین اسلام یا تمسخر پروردگار یا نشر اخلاق نامناسب باشد شک ندارند و این مساله ای است روشن که برای اثبات آن نیازی به بیان ادله و نصوص شرعی نیست.^۳

بر اساس فتاوایی که ذکر شد می توان به طور خلاصه چنین حکم کرد:

۱ - نگا: موافقات، شاطبی (۹۴/۲).

۲ - فتوای شماره (۳۱۲۷) تحت عنوان «حکم احترام و بیع الأفلام الكرتونية والتمثيل» صادره از مرکز فتوای سایت اسلام وب (www.Islamweb.net) تحت نظر دکتر عبدالله الفقیه.

۳ - توجیهات مهمه لشباب الأمة، علامه شیخ صالح بن فوزان الفوزان (۵۱ - ۵۲).

- حکم فیلم‌های کارتون بر حسب اندیشه‌ها و تصاویری که در آن به نمایش گذاشته می‌شود متفاوت است. هر فیلمی که اندیشه‌ای روشن‌گر و داستانی تربیتی و فایده‌ای برای بیننده در بر داشته باشد اشکالی ندارد و سود آن بیشتر از زیانش هست.
- وظیفه‌ی پدر و مادر است که در برابر فیلم‌ها و برنامه‌های نامناسب کودکان، مراقب و حامی فرزندان خود باشند.
- لازم است موسسات رسانه‌ای اسلامی به تولید فیلم‌های کارتون سودمند توجه نشان دهند. همین‌طور شبکه‌ها برای نمایش آثار سودمند و بایکوت تولیدات مضر، همت کنند.
- فتاوی پیشین همین‌طور راهکارهایی برای در امان نگاه داشتن کودکان از فیلم‌های مضر ارائه داده‌اند که در مبحث بعد به تفصیل درباره‌ی آن سخن خواهیم گفت.

مبحث دوم:

محافظت کودکان در برابر برنامه‌های زیانبار

تربیت کودکان وظیفه‌ای است عظیم و مسئولیتی است سترگ که لازم است والدین بسیار جدی به آن فکر کنند و ابزار لازم را برای آن فراهم سازند، به ویژه در این دوران که امواج متلاطم فتنه‌ها از هر سو هجوم آورده‌اند و دین به شدت غریب شده و عوامل فساد آنقدر زیاد شده که باعث شده پدر در برابر کودکان خود مانند چوپانی باشد که گوسفندان خود را در سرزمین گرگ‌های درنده به چرا برده و اگر لحظه‌ای از آنان غفلت ورزد گرگ‌ها به آن‌ها حمله برند.

آنچه قلب انسان را به درد می‌آورد این است که بسیاری از والدین در مورد تربیت فرزندان خود اهمال می‌کنند و به آن اهمیتی نمی‌دهند؛ نه از کودکان خود محافظت کرده‌اند و نه آنان را بر اساس نیکی و تقوا تربیت می‌کنند.

حتی بسیاری از پدران و مادران عامل اصلی گمراهی و فساد فرزندان خود هستند. چرا که آنان را بدون هیچ مراقبت یا نصیحت و ارشادی با انواع کانال‌های ماهواره‌ای و اینترنت و بازی‌های کامپیوتری تنها می‌گذارند.

ابن قیم رحمته الله می‌گوید: «چه بسیارند کسانی که فرزند و جگرگوشه‌ی خود را با اهمال و ترک تربیت و یاری او بر شهوت‌هایش در دنیا و آخرت بدبخت کرده‌اند، و گمان می‌کنند فرزند خود را گرمی داشته‌اند اما در واقع به او توهین کرده‌اند و گمان می‌کنند که در حق او مهربانی می‌کنند اما در واقع به او ستم ورزیده‌اند... از فرزند خود سودی نبردند و او را از نصیحت در

دنیا و آخرت محروم ساختند...» سپس می‌گوید: «اگر به فساد فرزندان توجه کنی خواهی دید غالباً از سوی پدران است».^۱

شکی در این نیست که فرزندان، امانتی هستند نزد پدران و مادران، و خداوند از هر مسئولی درباره‌ی مسئولیتی که بر عهده‌ی وی گذاشته سوال خواهد کرد. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «همه شما چوپانید و همه در برابر رعیت خود مسئولید؛ حاکم مسئول است و درباره‌ی رعیت خود مورد پرسش قرار خواهد گرفت، و مرد مسئول خانواده‌ی خود است درباره‌ی آنان مورد پرسش قرار خواهد گرفت و زن مسئول خانه‌ی همسرش هست و او نیز درباره‌ی رعیت خود پرسیده خواهد شد...».^۲

پدران در تربیت فرزندان خود مسئولیت کامل دارند و خداوند آنان را در این باره مورد پرسش قرار خواهد داد. ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «الله سبحانه در روز قیامت از پدر درباره‌ی فرزندانش سوال خواهد کرد، پیش از آنکه از فرزند درباره‌ی پدر پرسش کند، زیرا همانطور که پدر بر گردن فرزند حق دارد، فرزند نیز بر گردن پدر دارای حقی است».^۳

سپس می‌گوید: «بنابراین، کسی که در آموزش آنچه سودمند است به فرزند خود بی‌توجهی نموده و او را رها کرده، به او بد کرده، و بیشترین فساد فرزندان به سبب پدران و کم توجهی و آموزش ندادن فرایض و سنت‌های دینی توسط آنان است. در کودکی آنان را ضایع کردند و در بزرگی

۱ - نگا: تحفة المودود في أحكام المولود (۱۴۵).

۲ - بخاری (۱۵۲۲) و مسلم (۱۴۵۲).

۳ - نگا: تحفة المودود في أحكام المولود (۱۴۸).

نه برای خود سودمند خواهند بود و نه سودی برای پدران خود خواهند داشت».^۱

پدر در خانه‌ی خود مسئول است و در برابر رعیت خود پاسخگو است. مسئولیت فرزندان - پسر و دختر - و وظیفه‌ی تربیت و راهنمایی آنان را به عهده دارد و مسئول اخلاق و کردارشان است.

پیامبر ﷺ ما را آگاه نموده که هر کس در تربیت فرزندان خود سهل انگاری کند در حق او فریبکاری روا داشته و جزایش چنین است که بهشت بر او حرام خواهد شد. ایشان می‌فرماید: «بنده‌ای نیست که خداوند مسئولیت گروهی را به او دهد، سپس در حالی بمیرد که در حق آنان فریبکاری نموده مگر آنکه خداوند بهشت را بر وی حرام می‌سازد».^۲

یکی از نمونه‌های فریب و کم‌کاری در مسئولیت، تربیت بد آنان با بی‌توجهی و آموزش ندادن اموری است که برای دنیا و آخرت آنان سودمند است، و امر نکردن آنان به معروف و باز نداشتنشان از منکر.

بدتر این که برخی از پدران علاوه بر اهمال و سهل انگاری و شانه خالی کردن از تربیت فرزندان، چیزهایی را در اختیار آنان می‌گذارند که باعث گمراهی و فساد عقیده و آلوده شدن اندیشه و ویرانی اخلاق آنان می‌شود، و با رها کردنشان در برابر کانال‌ها و بازی‌های نامناسب، آنان را به دیدن تصاویری عادت می‌دهد که خالی از فحشا و گناهان و جنایت و خون‌ریزی نیست.

هدف از تربیت و آموزش کودکان و توجه به آنان، نجات آن‌ها از عذاب خداوند و خشم اوست، و برای این است که در آینده اعضای سودمند و فعال

۱ - تحفة المودود فی أحكام المولود (۱۴۹)

۲ - بخاری (۷۱۵۰) و مسلم (۱۴۲). لفظ روایت از مسلم است.

برای جامعه‌ی خود باشند که با طاعت خداوند و اصلاحگری، به خود و والدین و جامعه‌شان سود رسانند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [التحریم: ۶]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها است حفظ کنید. بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سخت‌گیر هستند که از آنچه الله به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند».

مسئولیت ما در قبال فرزندانمان واقعاً بزرگ است و این امانتی است بس عظیم که بر عهده‌ی ما نهاده شده و بر ما واجب است به درستی آن را رعایت کنیم در تربیت آنان بکوشیم و دستشان را گرفته از مرحله‌ی کودکی و بلوغ عبورشان دهیم...

اما گاه انسان هر چه تلاش خود را به کار بندد باز هم نمی‌تواند جلوی همه‌ی درهای فساد را بگیرد، چرا که سرزمین‌ها گسترده‌اند و طبیعت‌ها گوناگون و مردم با هم در رابطه‌اند و انسان ذاتاً موجودی است اجتماعی که با مردم هم‌نشینی می‌کند و این رابطه گریز ناپذیر است.

فرزندان ما هم بخشی از این جامعه هستند و با دیگر مردم - کوچک و بزرگ - در مدرسه و بازار و دیگر جاها، رابطه دارند و چیزهایی را می‌شنوند و می‌بینند که گاه اشتباه یا غیر شرعی است.

بنابراین هر چه مربیان غیور و والدین خیرخواه بخواهند جلوی تماشای اینگونه برنامه‌های مسموم را بگیرند نخواهند توانست.

بنابراین لازم است با برخی اقدامات کودکان را ضد اندیشه‌های نادرستی که در برخی از این فیلم‌ها موجود است واکسینه کرد:

۱- مراقبت کودکان توسط والدین و اجازه ندادن تماشای برنامه‌هایی که حاوی فساد عقیدتی یا اخلاقی است، زیرا چنین چیزی تأثیری منفی بر رفتار کودکان می‌گذارد. همین‌طور محافظت از هویت فرزندان با در نظر داشتن آنان به طور نامحسوس.

۲- استفاده از اوقات کودکان در حفظ قرآن کریم و تفریحات سودمند، و تشویق تولید کنندگان داخلی فیلم‌های کارتون برای محافظت از هویت کودکان.

۳- جستجوی کاراکترهای کارتونی از میراث ادبی محلی و تاریخ اسلامی، به طوری که با دین در تضاد نباشد و جا انداختن این شخصیت‌ها و ساختن فیلم‌هایی درباره‌ی قهرمانی‌های آنان.

۴- اضافه کردن دروسی در برنامه‌های درسی که باعث واکنش شدن کودکان در برابر اینگونه برنامه‌ها می‌شود.

۵- تهیه‌ی پژوهش‌هایی که میزان تماشای این برنامه‌ها توسط کودکان را بررسی نماید و همین‌طور بررسی اینکه کدام یک از شبکه‌ها دارای بیشترین بیننده‌ی کودک هستند و شناخت میزان تأثیر محتوای این برنامه‌ها بر عقیده‌ی کودک مسلمان و ایمان وی به خداوند و آخرت و مفهوم حلال و حرام و گفتار وی.

۶- نصیحت مسئولان رسانه‌ها برای اینکه درباره‌ی کودکان مسلمان تقوای الله را رعایت کنند و بدانند برخی از برنامه‌های آنان باعث ویرانی جوامع مسلمان و گسترش زشتی‌ها و خشونت و فساد می‌شود. حتی پاره‌ای از این برنامه‌ها باعث تخریب عقیده‌ی کودکان و فساد آنان می‌شود.

۷- تربیت کودکان بر اساس محبت پیامبر ﷺ و یاران وی با استفاده از سیرت و زندگی‌نامه‌ی آنان و انتخاب کتاب‌های مناسب دوره‌ی سنی کودکان.

۸- آموزش مسائل عقیده به کودکان؛ مسائلی همانند توحید و بزرگداشت خداوند و محبت و تقوای وی و قدرت او بر هر چیز، و اینکه او آفریننده و روزی دهنده است، با روشی که مناسب دوره‌ی سنی و طرز فکر آنان باشد.

۹- تربیت کودکان بر اساس انکار منکرات و بد دانستن آن. به آنان یاد داده شود که کارتون‌های حاوی موسیقی یا صلیب را تماشا نکنند. از کودکانی که بر این اساس تربیت شده‌اند داستان‌های عجیبی نقل می‌کنند و این خود باعث جلوگیری از بسیاری از منکرات می‌شود.

۱۰- برگزار کردن همیشگی جلسات گفتگو با فرزندان.

۱۱- سعی در همراهی آنان هنگام تماشای برنامه‌های کودکان. اینکار باعث می‌شود قدرت تجزیه و تحلیل آنچه می‌بینند بالا رود.

۱۲- برگزاری مسابقاتی میان کودکان درباره‌ی جنبه‌های خوب و بد برنامه‌هایی که می‌بینند.

اما درباره‌ی دست اندر کاران رسانه‌های مربوط به کودکان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- اهمیت به آموزش و بالا بردن توانایی‌های کسانی که در بررسی و تحلیل برنامه‌های کودکان فعالند و اطلاع مستمر آن‌ها از روش‌های جدید هجوم فکری علیه جوامع مسلمان که با ارزش‌ترین دارایی‌های ما را هدف قرار داده است.

۲- بررسی محتوای برنامه‌هایی که از کشورهای دیگر وارد می‌شود و موضوعات مطرح شده در آن؛ زیرا معمولاً محصولات فرهنگی هر کشوری برگردان عقیده و فرهنگ آنان است.

مبحث سوم:

جایگزین‌های پیشنهادی

یکی از اولویت‌های مهم برای فعالیت در عرصه‌ی دعوت، داشتن فهمی پخته از مقاصد شریعت نزد طلاب علم و فعالان عرصه‌ی اصلاح دینی است، تا بدین وسیله بتوانند نتایجی کار شده و ملموس را در «فقه جایگزین اسلامی» که همراه با روح این دوران و نیازهای آن باشد، پدید آورند، و بدانند چگونه می‌توان این امت را از بحران‌هایی که به آن روبرو است نجات دهند؛ چه از نظر آموزشی یا تربیتی و یا رسانه‌ای.

عالم حقیقی آن است که حق را می‌داند و بر خلق مهربان است، و هر چه شناخت یک عالم نسبت به شریعت و روح آن افزایش یابد نسبت به بندگان مهربان‌تر خواهد شد و بیش از همه بر آنان آسان خواهد گرفت و نرمش نشان خواهد داد.^۱

هنگامی که مسلمان به روش پروردگار در قرآن کریم می‌نگرد خواهد دید وی - سبحانه و تعالی - چیزی را بر بندگان خود حرام نکرده مگر آنکه بهتر از آن را در اختیار ایشان نهاده، حتی درباره‌ی الفاظ و عبارات.

برای نمونه این سخن پروردگار که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۰۴] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نگویید «راعا» و بگویید: «انظرنا» و گوش فرا دهید، و برای کافران [که قصد ریشخند دارند] عذابی دردناک است».

خداوند آنان را از گفتن «راعنا» (رعایتمان کن - ما را بپای) نهی کرد زیرا نوعی شباهت با یهودیان بود که این کلمه را خطاب به پیامبر ﷺ می‌گفتند و قصد تمسخر داشتند. اینجا بود که الله متعال صحابه را از گفتن این لفظ نهی کرد و لفظ «انظرنا» [یعنی ما را بنگر] را به عنوان جایگزین معرفی کرد.^۱

همین‌طور هر که در سیرت مصطفی دقت کند این را به طور واضح در روش تربیتی آموزشی ایشان مشاهده خواهد کرد. وی ﷺ هر گاه چیزی را تحریم می‌کرد در برابر آن جایگزین مشروعی را معرفی می‌کرد، زیرا می‌دانست که نفس انسان‌ها ضعیف است و جایگزین را دوست دارد؛ برای مثال:

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که بلال رضی الله عنه برای رسول الله ﷺ خرماي «برنی»^۲ آورد. رسول الله ﷺ پرسید: «این را از کجا آورده‌ای؟»

گفت: خرماي نامرغوبی داشتیم. دو صاع از آن را با یک صاع از این خرما عوض کردم تا شما از آن بخورید.

فرمود: «هرگز! هرگز! این عین ربا است، این خود ربا است! چنین مکن، اما اگر خواستی [خرمای مرغوب] بخری خرماي خود را با چیز دیگری عوض کن، سپس با آن [خرمای مرغوب] بخر».^۳

بین ایشان چگونه وقتی این کار بلال را حرام دانست، به جای آن جایگزینی مشروع را معرفی کرد.

علمای ربّانی که نسبت به شرایط دوران خود آگاهند نیز چنین می‌کنند.

۱ - اسباب النزول، علی بن احمد الواحدي (۱۰۴).

۲ - نوعی خرماي گرد زرد رنگ که از مرغوب‌ترین انواع خرما است.

۳ - به روایت بخاری (۲۲۰۱) و مسلم (۱۵۹۳).

به همین سبب، امام ابن قیم می گوید:

«از فهم مفتی و دلسوزی اوست که اگر سوال کننده درباره‌ی چیزی از او پرسید و پاسخ به منع آن داد، اما دانست که پرسشگر به آن نیاز دارد، وی را به جایگزین آن راهنمایی می کند. وی اینگونه در حرام را بر او می بندد و در حلال را بر وی می گشاید. چنین چیزی جز از عالم دلسوزی که با الله معامله کرده رخ نمی دهد... مثال وی در میان علما مانند پزشک دلسوز در میان دیگر پزشکان است که بیمار را از آنچه برای وی زیانبار است حفظ می کند و آنچه را برای وی سودمند است تجویز می کند و این کار پزشکان ادیان و پزشکان ابدان است.

در صحیح آمده که رسول الله ﷺ فرمود: «خداوند پیامبری را بر انگيخته ساخته مگر آنکه وظیفه اش بوده مردم را به سوی بهترین چیزی که به آنان یاد می دهد هدایت کند و آنان را از بدترین چیزی که به آنان یاد می دهد نهی کند».^۱

این است روش پیامبران و وارثان آنان (یعنی علما) که پس از آنان می آیند. خودم از شیخمان - قدس الله روحه - دیدم که این موضوع را تا حد امکان در فتاوی خود رعایت می کرد و هر که در فتاوی وی دقت کند آشکارا متوجه آن خواهد شد».^۲

ابن تیمیه رحمته الله علیه می گوید:

«اگر [عالم] بخواهد راهی را معرفی کند که [مردم] با آن به حلال دست می یابند و از گناه با روشی مشروع که مقصد شرع است رهایی می یابند، این همان [روشی] است که [سلف صالح] بر اساس آن فتوی می دادند، و این

۱ - مسلم (۱۸۴۴).

۲ - إعلام الموقعين (۴/ ۱۲۱-۱۲۲).

خود نوعی دعوت به سوی نیکی و راهنمایی به سوی آن است، چنان‌که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «خرمای نامرغوب را در برابر درهم (پول نقد) بفروش، سپس جنیب (خرمای مرغوب) بخر».^۱

و چنان‌که عبدالرحمن بن عوف به عمر بن الخطاب گفت: «نقره‌ی نامرغوب به ما می‌دهند؛ آیا به آن اضافه نکنیم و نقره‌ی مرغوب‌تر نگیریم؟» عمر ﷺ گفت: «نه؛ بلکه به نقیع برو و با آن [نقره] کالای دیگری بخر، سپس آن را با هر چه می‌خواهی عوض کن».^۲

برای مثال، رسول الله ﷺ هر گاه مردم را از چیزی منع می‌کرد دری دیگر را به روی آنان می‌گشود از جمله اینکه انس بن مالک ﷺ می‌گوید: پیامبر ﷺ در حالی به مدینه هجرت کردند که اهل مدینه دو روز داشتند که در دوران جاهلیت در آن جشن می‌گرفتند، پس فرمود: «نزد شما آمدم در حالی که شما دو روز دارید که در جاهلیت در آن [دو روز] خوشی می‌کردید و خداوند به جای آن دو روز بهتر به شما داده: روز نحر (عید قربان) و روز [عید] فطر».^۳

این روش رسول خدا ﷺ در اینگونه موارد بود؛ ایشان نه راضی به وقوع منکر بود و نه می‌خواست با آن کنار بیاید، اما ایشان ﷺ نخست خطر حرام را بیان می‌کرد و سپس جایگزین شرعی آنچه خداوند حرام کرده را معرفی می‌کرد. از اینجاست که علما با زیرکی تمام این قضیه را در نوشته‌ها و

۱ - بخاری (۴۲۴۴).

۲ - نگا: بیان الدلیل علی بطلان التحلیل (۱۳۳).

۳ - احمد در مسند (۳/ ۱۰۳-۱۷۸-۲۳۵) و ابوداود (۱۱۳۴) و نسائی (۳/ ۱۷۹) با سند

صحیح. دو روزی که اهل مدینه در جاهلیت جشن می‌گرفتند نوروز و مهرگان بود.

نگا: عون المعبود، عظیم آبادی (۳/ ۴۸۵).

رسایل خود ذکر کرده‌اند، از جمله شیخ الاسلام ابن تیمیه که بیان نموده، برای نصیحت‌گر کسی که مبتلای منکر یا بدعتی است واجب است او را به ترک آن فرا خواند حتی اگر در ظاهرش خیر باشد.

ابن تیمیه برای بدعت مثالی آورده و گفته است: «اگر در آن بدعت خیری وجود داشته باشد بر حسب امکان برای وی در خیری دیگر که مشروع است جایگزینی معرفی کند، زیرا نفس انسان‌ها چیزی را ترک نمی‌کند مگر در مقابل چیزی دیگر، چرا که نفوس برای انجام دادن خلق شده‌اند نه ترک کردن، و چیزی را ترک نمی‌کنند مگر به هدف انجام چیزی دیگر».^۱

بر همین اساس جستجوی برنامه‌های جذابی که بتواند جایگزین برنامه‌های کنونی شود، و در عین حال بتوان با سریع‌ترین وسایل و آسان‌ترین روش به آن دست یافت بسیار ضروری است، به ویژه در این دوران، چرا که امت ما نیاز به جایگزین‌هایی بسیار در مجال‌هایی گوناگون دارد و نیازمند کانال‌هایی مفید به جای شبکه‌های فاسدی است که به انتشار هر ناپاکی مشغولند و مردم را از دین پروردگار، غافل کرده‌اند و با تلاش فراوان سعی در انداختن آنان به ورطه‌ی شبهات و شهوات دارند.

حال که به محل مشکل پی برده‌ایم کاش دعوتگران اصلاح، مسئولیت فردی و اجتماعی خود را احساس کنند و برای نجات نسلی که کمتر کسی به فکر دستگیری آنان بوده بشتابند و راه رستگاری و جایگزین‌های سودمند را به آنان معرفی کنند.

در همین حال این جایگزین‌ها باید شرعی باشند. شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «اما برای هیچکس روا نیست که چیزی از شریعت را به خاطر کسی تغییر دهد».^۱

اما اگر کسی می‌خواهد از جایگزین‌های مباح دوری کند و به طور کامل به اوامر و نواهی شرعی پایبند بماند، می‌تواند چنین کند و صاحبان عزیمت آنچه را بهتر است برمی‌گزینند، اما نباید خود را با دیگر مردم مقایسه کنند و این عزیمت را بر کسانی که دینداریشان ضعیف‌تر است تحمیل کنند. چنان که گفته‌اند: اگر می‌خواهی از تو اطاعت کنند، چیزی بگو که قابل اطاعت باشد.

وظیفه‌ی مصلحان این است که از درب خانه‌ها وارد آن شوند و حق را در نصاب آن بگذارند و طرح غریبان و ابزار مجرمان را برای فرزندان این نسل توضیح دهند که چگونه قصد ویرانی این نسل و دور کردن آنان از اهداف والا را دارند.

امام سفیان ثوری رحمته الله می‌گوید: «همانا علم در نزد ما رخصتی است از جانب [علمای] مورد اطمینان؛ اما سخت‌گیری را هر کس بلد است».^۲

امام احمد بن حنبل رحمته الله می‌گوید: «برای کسی که فتوا می‌دهد شایسته نیست مردم را بر مذهب خود مجبور کند و بر آنان سخت گیرد».^۳

این به معنای عقب‌گرد بر اثر فشار شرایط یا پیگیری رخصت‌ها و اشتباهات هر عالم نیست. شیخ الاسلام ابن تیمیه توضیح جالبی دارد بر این سخن رسول الله صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: «هر لهو و بازی‌ای که مرد انجام دهد

۱ - اقتضاء الصراط المستقیم (۲/ ۱۳۳).

۲ - جامع بیان العلم و فضله، ابن عبدالبر (۱/ ۷۸۴).

۳ - الآداب الشرعية، ابن مفلح (۲/ ۴۵).

باطل است مگر تیراندازی با کمان و آماده سازی اسب و شوخی با همسر که این‌ها حق است [و لغو نیست]»^۱ می‌گوید: «کار باطل یعنی آنچه سودی در آن نیست، و این رخصتی است برای نفس‌هایی که توانایی صبر بر آنچه نافع است را ندارند. به همین سبب از ابودرداء رضی الله عنه نقل است که گفت: من نفس خود را با چیزی از باطل استراحت می‌دهم تا آن را برای انجام حق یاری دهم».^۲

بنابراین نتیجه می‌گیریم که شناخت حالات درونی کودکان و بزرگسالان و مراعات آن بر اساس سن و شخصیت، یکی از مهم‌ترین موارد برای اصلاح تدریجی آنان است؛ چرا که ترک عادت یکی از سخت‌ترین چیزها برای نفس بشری است و برای همین فراهم ساختن جایگزینی که با آن بتوانند وضعیت گذشته را به فراموشی بسپارند و کم‌کم وارد مرحله آرامش و عادت به شرایط جدید شوند، ضروری است.

از قوی‌ترین دلایل برای این مدعا سخنی است که عمر بن عبدالعزیز خطاب به فرزند خود گفت. روزی فرزند ایشان، عبدالملک، عدم شتاب ایشان در پاکسازی باقی‌مانده‌های انحراف و ستم و بازگشت به روش خلفای راشدین را مورد انتقاد قرار داد و گفت:

پدر! تو را چه شده که از بسیاری چیزها انتقادی نمی‌کنی؟ به خدا سوگند برایم مهم نیست اگر در راه حق من و تو در دیگ جوشان انداخته شویم!

عبدالملک جوانی پرشور بود که خواستار اصلاح فوری بود. ببین پدر فقیه او عمر بن عبدالعزیز رحمته الله در پاسخش چه گفت: «عجله مکن پسر! الله

۱ - ابن ماجه (۲/ ۹۴۰) و نسائی با شرح سیوطی (۶/ ۱۸۵) با سند صحیح.

۲ - الاستقامة (۱/ ۲۷۷) و مجموع الفتاوی (۲۸/ ۳۶۸).

متعال در قرآن دو بار خمر را نکوهش کرد و در بار سوم آن را حرام اعلام کرد، و من می‌ترسم مردم را یک باره به حق مجبور کنم و آنان یک باره آن را ترک کنند و این باعث فتنه شود...»^۱.

به همین سبب تدرج در رسیدن به حق بر اساس این نوع تربیت و فهم عمیق از مقاصد شریعت، باعث قانع شدن بسیاری از دعوت شدگان می‌شود تا با همه‌ی خشنودی احکام آن را بپذیرند.

امام ابن قیم رحمته الله می‌گوید: «حکمت از این تدرج، پذیرش احکام و اعتراف به آن به صورت تدریجی است».^۲

همینطور باید اهالی مخلص رسانه را برای ایجاد جایگزین‌های شرعی و تولید پروژه‌ها و برنامه‌های جذاب برای کسانی که مبتلای پی‌گیری برنامه‌های مبتذل هستند، تشویق کرد. همینطور جا انداختن روحیه‌ی نوآوری و اندیشه‌ورزی و استفاده از داده‌های جدید و رشد احساس اهمیت به مطالعه و بررسی، و شکستن دیوارهایی که مانع از نوآوری می‌شود.

هنگام وجود خشکسالی فرهنگی و ضعف اندیشه، انسان نمی‌تواند بسیاری از جایگزین‌هایی را که برای ثروتمندان فکری مهیا است، پیدا کند.^۳ اما در این فراخوان برای ایجاد جایگزین‌های ساختارمند، شرط نیست که برای هر چیزی که می‌خواهیم فرزندانمان را از آن باز بداریم جایگزینی پیدا شود، چرا که همه‌ی حرام‌ها قابل جایگزینی نیستند و همین جایگزین نیز الزاما همه‌ی مظاهر لذت و خوشی و سرگرمی موجود در حرام را شامل

۱ - الموافقات، شاطبی (۲/ ۹۴).

۲ - بدائع الفوائد (۳/ ۱۸۴).

۳ - از کتاب «خطوة نحو التفكير القويم، ثلاثون ملمحا في أخطاء التفكير و عيوبه، عبدالکریم بکار (۵۹).

نیست، بلکه کافی است باعث شود آنچه را که شخص در گذشته به آن عادت کرده بود از یادش ببرد و مضمون آن به اندازه‌ی کافی جذاب باشد.

اما مهم است که در کنار این تغییر و جایگزین‌های موجود، شخص نفس خود را بر طاعت پروردگار پرورش دهد و تنها دستورات الله را با «سمعنا و اطعنا» گردن نهد و اگر آن جایگزین به جذابیت حرامی که قبلاً به آن عادت کرده بود نرسید به عقب باز نگردد چرا که این کفران نعمت هدایت الهی است. بلکه اگر بنده چیزی را به خاطر الله رها کند، خداوند نیز بهتر از آن را به وی می‌دهد و این چیز بهتر - چنان که علمای شریعت گفته‌اند - یا در زندگی دنیا خواهد بود و یا در زندگی آخرت و بهشت رضوان.

همینطور باید از مرحله‌ی دفاع و هشدار، قدم به مرحله‌ی رویارویی و تبشیر بگذاریم و این توصیه‌ی رسول الله ﷺ به یارانش بود که فرمود: «بشارت دهید و متنفر نسازید، و آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید».^۱

ما بر اساس تجربه‌ی عملی به شناخت آنچه ممکن است نزدیک می‌شویم، این شناخت همچنین باعث می‌شود زحمت «بذر پاشی در دریا» را نکشیم، چنان که بسیاری از ما وقت و تلاش و مال فراوانی را برای رسیدن به چیزهایی به هدر می‌دهند که هیچ راهی برای به دست آوردن آن نیست.^۲

اینجا باید اشاره کنم که بسیاری از این جایگزین‌ها که در محیط اسلامی فراهم شده حدود شرعی را زیر پا گذاشته و حاوی بسیاری از عقب نشینی‌ها و اشتباهات شرعی است، زیرا بسیاری از این محصولات با مشورت اهل علم و

۱ - بخاری (۲۰۰۱) و مسلم (۲۵۱).

۲ - بخشی از سخن دکتر عبدالکریم بکار در کتاب «تشکیل عقلیة اسلامیة معاصرة» صفحه‌ی (۷۸).

فقه‌ای ربانی شریعت تولید نشده‌اند. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «هر کس با خشم الله مردم را خشنود کرد، خداوند او را به مردم واگذار خواهد کرد و هرکه مردم را با خشنودی الله خشمگین نمود، خداوند او را از یاری مردم بی‌نیاز خواهد کرد».^۱

بر اساس آنچه گفته شد، به طور خلاصه می‌توان این جایگزین‌ها را برای فیلم‌های فاسد کارتون معرفی کرد:

۱- تولید برنامه‌هایی شبیه به این کارتون‌ها که خالی از منکرات باشد و کودکان را بر اساس ارزش‌های اسلامی تربیت کند. اشکالی ندارد همان کارتون‌ها بازتولید شود و با حذف موارد منکر، دیالوگ‌های آن با سخنانی مباح جایگزین شود. اینگونه هم خواسته‌ی کودکان برآورده می‌شود و هم تربیت و تعلیم آنان به خوبی صورت می‌گیرد. اینگونه برنامه‌های سودمند می‌تواند کودکان را از حرام دور گرداند.^۲

ابتکار و نوآوری برای تولید کارتون‌های مورد اعتماد و دارای اندیشه‌ی سودمند برای پر کردن اوقات کودکان و زنده کردن این قضیه در جامعه و حمایت سرمایه‌داران از موسسات تولیدی که رسانه‌ی کودکان را در قالبی اسلامی بازتولید نماید.

۲- انتخاب برنامه‌های فرهنگی - آموزشی که لذت و آموزش را در خود داشته باشد. از اینگونه برنامه‌ها درباره‌ی دنیای زیر آب و حیوانات به طور گسترده‌ای ساخته و پخش شده است.

۱ - ابن حبان با سند «جید». صحیح ابن حبان (۴۵۲) نگا: السلسلة الصحيحة (۲۳۱۱).

۲ - «لقاءات الباب المفتوح» (۱۲۷/ سوال شماره ۱۰).

۳- مشغول ساختن کودکان با برنامه‌هایی که برای سلامت آنان مفید است مانند ورزش و شنا و دیگر بازی‌های مباح که هم مفیدند و هم سرگرم کننده.

۴- تماشای سایت‌های اسلامی که بخش‌هایی ویژه کودکان دارند و دارای محتوای کارتونی مفید یا بازی‌های سرگرم کننده یا پویانمایی‌هایی از زندگی پیامبران و صالحان و غزوات و نبردهای اسلامی است.

۵- تشویق شرکت‌ها و موسساتی که قادر به تولید محتوای سودمند برای کودکان هستند. زیرا کودکان احتیاج فراوانی به این نوع تولیدات دارند و همینطور والدین نیازمند جایگزین مفیدی هستند که در اختیار کودکان خود قرار دهند.

۶- تبدیل سیره‌ی پیامبر ﷺ به داستانی واقعی که کودک بتواند در خیال خود با آن زندگی کند.

این‌ها جایگزین‌هایی پیشنهادی بود که با برنامه‌ریزی خوب و پژوهش می‌توان در عمل پیاده ساخت.

پایان

الله متعال را برای آسان‌سازی و یاری‌اش سپاس می‌گوییم و از او مسالت دارم آنچه را نوشته‌ام سودمند گرداند و از کثری دور سازد. در پایان این بحث می‌توان به این نتایج مهم رسید:

۱- مرحله‌ی کودکی از مهم‌ترین مراحل تربیتی است که شایسته است اندیشه‌ی کودک در این مرحله‌ی مهم مورد حفاظت و اهمیت قرار گیرد.

۲- اهمیت پیامبر ﷺ به کودکان و تربیت آنان به طوری که ارزش خود را درک کنند.

۳- راسخ گرداندن عقیده در وجود کودک و تربیت آنان از مراحل نخست زندگی.

۴- حرام بودن تماشای کارتون‌های حاوی موارد خلاف شرع.

۵- تفاوت گذاشتن میان فیلم‌های کارتون بد و فیلم‌هایی که دارای محتوا و داستان مفیدی هستند.

۶- در اختیار گذاشتن جایگزین‌های مناسب مساله‌ای است بسیار مهم که باعث در امان ماندن اندیشه کودکان می‌شود.

از الله متعال خواهانم این کتاب را مفید گرداند و کودکان ما را از هر گونه بدی در امان دارد.

دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

دانشگاه ملک سعود

۱۵ ربیع الثانی ۱۴۳۱ هجری



Arefe.Fa@gmail.com



facebook.com/ArefeFa
facebook.com/3refe



@ArefeFa
@MohamadAlarefe



youtube.com/user/Arefefa



دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

متولد ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۹۰ هـ ق)

دارنده‌ی مدرک دکترای در عقیده و مذاهب معاصر با رتبه‌ی ممتاز از دانشگاه امام محمد بن سعود در ریاض.

دارنده‌ی اجازه‌ی قرائت و روایت حدیث از شیوخ برجسته‌ی مصر و یمن و مغرب.

عضو اتحاد جهانی علمای مسلمان.

عضو هیئت علمی توسعه‌ی انسانی، وابسته به سازمان رابطه العالم الاسلامی.

عضو مجلس امناء در هیئت علمی رسانه‌ی اسلامی وابسته به سازمان رابطه العالم الاسلامی.

عضو تعدادی از دفاتر دعوت و هیئت‌های اسلامی.

مشاور پاره وقت در تعدادی از هیئت‌های اسلامی در سطح جهان.

استاد پاره وقت در دانشگاه‌های عربستان سعودی و جهان.

خطیب جمعه در مسجد جامع یوآردی در ریاض از سال ۲۰۰۶ تاکنون.

عضو هیئت تدریس در دانشگاه ملک سعود از سال ۱۹۹۳ تاکنون.

امام و خطیب مسجد جامع دانشکده‌ی امنیت از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۶ م.

ایشان علاوه بر تحصیل آکادمیک از محضر شیوخ بزرگوارى همچون دکتر عبدالکریم اللاح، دکتر عبدالله بن جبرین، علامه عبدالعزیز بن باز، علامه ابن عثیمین شیخ عبدالله بن قعود و تعدادی دیگر از شیوخ گرامی استفاده علمی برده است.

دارای نزدیک به سی عنوان کتاب و رساله‌ی علمی و دعوی به زبان‌های زنده‌ی دنیا.

دکتر عریفی همچنین از طریق شبکه‌های اجتماعی به امر دعوت مشغول هستند.

حساب کاربری توئیتر ایشان رکورد بیشترین دنبال کننده را در کشورهای عربی دارا

می‌باشد.

وبسایت رسمی دکتر محمد العریفی

www.Arefe.com